اسکناس

روزنامه اقتصادی صبح ایران

یکشنبه ۲۷ مهر ۱۴۰۴ • شماره ۲۲۱۸ • سال هفتم

۲۶ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷ • ۱۹ اکتبر ۲۰۲۵ • ۸ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

سخنگوی وزارت خارجه:

هیچ تصمیمی در شورای امنیت درباره بازگشت تحریم‌ها اتخاذ نشده است

سخنگوی وزارت خارجه با تاکید بر این که «روز ۲۶ مهرماه قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل طبق آنچه که در خود قطعنامه بیان شده پایان پیدا کرد» گفت: معتقدیم درباره بازگشت قطعنامه‌های لغو شده علیه ایران و بازگشت تحریم‌ها هیچ تصمیمی در شورای امنیت اتخاذ نشده است...

صفحه ۲

گزارش «اسکناس» از مسیر پر دست انداز خصوصی سازی

صنعت خودرو در پیچ و خم واگذاری‌ها

چندی پیش بود که موضوع واگذاری سه درصد سهام فولاد مبارکه، ۱۶.۸ درصد سهام سایپا و ۵.۷ درصد سهام ایران خودرو در جلسه هیات واگذاری به ریاست سیدعلی مدنی زاده وزیر امور اقتصادی و دارایی مطرح و در نهایت مقرر شد واگذاری شرکت‌های مذکور پس از جلسه با محمدرضا عارف معاون اول رئیس جمهوری تعیین تکلیف شود...

صفحه ۶

آغاز نظم جدید منطقه‌ای با محوریت ایران و روسیه؛

پایان فصل برجام

تاریخ ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ به‌عنوان روز رسمی پایان اعتبار قطعنامه ۲۲۳۱ تعیین شده است. از این پس نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای در جمهوری اسلامی ایران صرفا بر پایه معاهده NPT و توافق جامع پادمان میان ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خواهد بود

صفحه ۲

تیترهای مهم

حماس با چه شرایطی تن به خلع سلاح می‌دهد؟

۲

«اسکناس» تصمیم نهایی دولت درباره بنزین را بررسی کرد

افزایش قیمت گام آخر دولت

هیات وزیران اخیرا به پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه، برنامه جامع تأمین و تخصیص حاملهای انرژی شبکه حمل و نقل کشور را تصویب کرده است. این برنامه در راستای اجرای بند (ب) ماده ۴۶ قانون برنامه هفتم پیشرفت مصوب شده که دولت را مکلف به رفع ناترازی بنزین کرده است...

۵

پذیرش واژه‌های جدید در زبان فارسی و مشکلات شکاف نسلی

۴

با وجود انقضای برجام، ایران خواهان حقوق هسته‌ای خود است

۲

آزمونی که فرسوده می‌کند اما نمی‌سنجد

کنکور ماراتن بی‌پایان

۴

سرمقاله

فروپاشی درونی رژیم صهیونیستی

علی قادری، کارشناس مسائل بین‌الملل

قبل از «طوفان الاقصی» رژیم صهیونیستی به‌یُمن تبلیغات رسانه‌ای امپراطوری رسانه‌ای غرب به عنوان بازیگری قدرتمند در درون و بیرون به تصویر کشیده می‌شد. اما اکنون نظرسنجی‌های مؤسسه مطالعات امنیت داخلی رژیم صهیونیستی (INSS) نشان می‌دهد، در فراسوی جنگ و خونریزی و دود جنگ و ویرانه‌های غزه، نوع دیگری از تخریب در حال وقوع و همچون موریانه در حال فرسایش بی‌سر و صدای این رژیم است...

صفحه ۲ را بخوانید

گزارش

قطار ایران بر ریل امید

سال ۱۴۰۴ برای صنعت ریلی ایران، سالی بود میان «تلاش و تحول». در میانه‌ی نوسانات اقتصادی، محدودیت‌های مالی و تغییرات منطقه‌ای، ریل ایران مسیر خود را آرام اما پیوسته ادامه داد؛ مسیری که نشانه‌های امید در آن بیش از هر زمان دیگری آشکار شد. از ابتدای سال، راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران هدف‌گذاری بزرگی را اعلام کرد: حمل ۵۴ میلیون تن بار تا پایان سال. عددی که در نگاه نخست، تنها یک هدف کمی به نظر می‌رسید، اما در واقع معنایی فراتر داشت...

صفحه ۳ را بخوانید

گزارش

«اسکناس» ریشه‌های ناکارآمدی نظام مالی کشور را بررسی کرد

وقتی بانک‌ها مسیر توسعه را مسدود می‌کنند

رئیس اسبق سازمان خصوصی‌سازی با تأکید بر اینکه سه بازار مالی کشور پول، سرمایه و بیمه به‌صورت جزیره‌ای و بدون هماهنگی عمل می‌کنند، گفت: تمرکز تأمین مالی بر نظام بانکی موجب تضعیف بازار سرمایه و حبس منابع در فعالیت‌های غیرمولد شده است...

صفحه ۳ را بخوانید

پیام تسلیت حضرت آیت الله خامنه‌ای در پی درگذشت سردار علیرضا افشار

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پیامی، درگذشت سردار مجاهد مرحوم علیرضا افشار را به دوستان و خاندان و همکاران ایشان تسلیت گفتند. متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به شرح زیر است: درگذشت سردارِ مجاهد مرحوم آقای علیرضا افشار رحمة‌الله علیه را که از پیشکسوتهای انقلاب اسلامی و از مدیران ارشد جهاد سازندگی در سالهای اوّلیه‌ی آن بودند، به خاندان گرامی و دوستان و همکاران ایشان تسلیت عرض میکنم. پاداش الهی و مغفرت خدای متعال را برای وی مسألت مینمایم.

سیّدعلی خامنه‌ای

۱۴۰۴/۷/۲۶

رئیس هیات مرکزی نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا خبر داد؛

آمادگی کامل برای برگزاری انتخابات الکترونیکی شوراها

رئیس هیات مرکزی نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا، آخرین جزئیات برگزاری هفتمین دوره انتخابات شوراها را تشریح کرد. محمدصالح جوکار با اشاره به انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا گفت: هفتمین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا ۱۱ اردیبهشت سال ۱۴۰۵ برگزار می‌شود؛ طبق جدول زمان‌بندی، از مدتی قبل فرآیند تشکیل هیات‌های اجرایی و نظارت آغاز شده است. هیات نظارت مرکزی از قبل تشکیل شده بود و اکنون هیات‌های نظارت استان‌ها در ۳۱ استان کشور شکل گرفته و احکام آن صادر شده است. وی افزود: اکنون در مرحله انتخاب هیات‌های نظارت شهرستانی هستیم؛ این هیات‌ها، متشکل از ۵ نفر از معتمدین واجد شرایط قانونی هستند و پس از آن، هیات‌های نظارت بخش، انتخاب خواهند شد. رئیس کمیسیون امور داخلی و شوراها بیان کرد: در این فرآیند، هیات‌های نظارت در سطوح مختلف از هیات مرکزی تا هیات‌های استان، شهرستان و بخش نقش دارند. وظیفه آن‌ها علاوه بر تأیید صلاحیت داوطلبان، نظارت بر حسن اجرای فرایند انتخابات است؛ نظارت بر حسن اجرای انتخابات شوراها، از زمان آغاز ثبت‌نام داوطلبان تا پایان رای‌گیری و اعلام نتایج نهایی ادامه دارد. وی یادآور شد: وظیفه نظارت بر انتخابات شوراها برعهده هیات‌های نظارت است که مجلس آن را تشکیل می‌دهد؛ در نهایت هیات‌های نظارت انتخابات شوراها را تائید می‌کنند.

جوکار درباره تمهیدات اندیشیده شده برای برگزاری انتخابات الکترونیک، گفت: زیرساخت‌های برگزاری انتخابات الکترونیک در حال فراهم شدن است که بخشی از زیرساخت‌ها آماده شده است؛ برهمین اساس همه مراحل انتخابات به صورت الکترونیکی برگزار می‌شود یعنی از مرحله احراز هویت که فرد در محل حوزه رای‌گیری حضور پیدا می‌کند، تا زمان رای دادن و شمارش آرا؛ لذا در فرآیند انتخابات الکترونیک، کمتر خطای انسانی وجود دارد و بیشتر به صورت سامانه و الکترونیکی است مگر اینکه در مناطقی همچون روستاها اینترنت قطع شود، انتخابات به صورت آف لاین خواهد بود.

سخنگوی دولت:

اشتغال بنگاه‌های کوچک و متوسط، اولویت اصلی دولت است

سخنگوی دولت گفت: مهمترین دغدغه دولت، حفظ و ایجاد اشتغال در سطح بنگاه‌های خرد، کوچک و متوسط است. فاطمه مهاجرانی در گزارش هفتگی خود به تشریح مهم‌ترین اولویت‌ها و اقدامات دولت پرداخت. سخنگوی دولت با تأکید بر اینکه مهمترین دغدغه دولت، حفظ و ایجاد اشتغال در سطح بنگاه‌های خرد، کوچک و متوسط است، اظهار داشت: اگر نتوانیم در جهت حفظ و ایجاد اشتغال گام برداریم، هر چقدر هم که کمک معیشتی صورت گیرد، کافی نخواهد بود و کارآیی لازم را ندارد. وی از برگزاری جلسات ویژه و منظم رئیس جمهور با اساتید برجسته اقتصادی، کارآفرینان و بازرگانان خبر داد. مهاجرانی از تشکیل چهار کارگروه در راستای حل مشکلات خبر داد و گفت: کارگروه انرژی به ریاست وزیر نیرو با هدف کمک به حل مشکل کمبود انرژی صنایع ایجاد شد. سخنگوی دولت با اشاره به قطعی برق و گاز صنایع به دلیل ناترازی انرژی، افزود: از پاییز سال گذشته تصمیم گرفتیم تا حد امکان از قطع گاز صنایع خودداری کنیم. در این زمینه استفاده از صفحات خورشیدی در دستور کار قرار گرفت که با تأمین ارز مربوطه، ۲۵۰۰ مگاوات برق حاصل از انرژی خورشیدی به شبکه برق کشور افزوده شده است. سخنگوی دولت از راه‌اندازی کارت رفاهی متصل به «اوراق گام» خبر داد و گفت: این کارت‌ها از قبل وجود داشت، اما رقم آن از ۳۰۰ به ۵۰۰ میلیون تومان افزایش یافته و مهلت بازپرداخت آن از ۱۲ به ۲۴ ماه افزایش یافته است. وی افزود: پیش از این، این کارت‌ها فقط توسط بانک رفاه ارائه می‌شد، اما اکنون مردم می‌توانند با مراجعه به بانک‌های ملت، ملی و تجارت این کارت‌ها را دریافت کنند. مهاجرانی با تأکید بر اتصال این کارت‌ها به فروشگاه‌های بزرگ، خاطرنشان کرد: «این اقدام در راستای افزایش تحریک تقاضا و افزایش تولید انجام شده و منبع تأمین آن اوراق گام است. مهاجرانی از افزایش سقف تسهیلات قرض‌الحسنه فردی به ۲۰۰ میلیون تومان با مهلت بازپرداخت ۶۰ ماه خبر داد و گفت: سقف تسهیلات فردی برای رسته‌های شغلی خاص نیز تا ۳۵۰ میلیون تومان و بازپرداخت ۶۰ ماهه افزایش یافته است. وی افزود: سقف تسهیلات کارفرمایان نیز به پنج میلیارد تومان در ازای بکارگیری هر نفر نیروی شاغل افزایش یافته و این رقم برای شرکت‌های دانش‌بنیان، فن‌آور و خلاق ۹۰۰ میلیون تومان تعیین شده است.

نوبت اول

آگهی تجدید مناقصه عمومی

شهرداری باغستان

شهرداری باغستان در نظر دارد به استناد مجوز شماره ۲۴۵۶/ش/ ۱۴۰۳ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۲۲ شورای اسلامی شهر باغستان نسبت به فراخوان خرید یک دستگاه دیزل ژنراتور برای ساختمان حمل و نقل (معاونت خدمات شهری و امور نواحی) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. بدینوسیله از اشخاص حقوقی واجد شرایط جهت شرکت در تجدید مناقصه دعوت بعمل می آید.

کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکتها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

شرح تجدید مناقصه :

۱- مبلغ برآورد قرارداد تا سقف ۴۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال با کلیه کسورات قانونی و ۱۰ % مالیات بر ارزش افزوده.

۲- سپرده شرکت در تجدید مناقصه ۲/۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال که به صورت واریز نقدی و ضمانت نامه معتبر بانکی مورد پذیرش شهرداری باغستان می باشد.

۳- مهلت خرید اسناد تجدید مناقصه از مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۴ یک شنبه تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۶ سه شنبه و اسناد و مدارک از طریق مراجعه به سامانه تدارکات دولت به نشانی www.setadiran.ir قابل دریافت می باشد.

۴- قیمت اسناد تجدید مناقصه مبلغ ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ (ده میلیون ریال) میباشد که به حساب ۰۱۰۵۳۶۹۶۹۶۰۰۹ بانک ملی شعبه خادم آباد به صورت الکترونیک از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت www.setadiran.ir قابل پرداخت می باشد.

۵- مهلت تحویل پیشنهادات تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۸ روز یک شنبه و نحوه تحویل اسناد از طریق بارگزاری در سامانه تدارکات الکترونیک دولت می باشد.

۶- تاریخ تشکیل کمیسیون معاملات عمده و بازگشایی پاکتها در تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۹ (روز دوشنبه)

۷- مناقصه گران می بایست اصل فیش واریز نقدی و ضمانت نامه شرکت در تجدید مناقصه را پیش از پایان مهلت تحویل پیشنهادات به امور قراردادهای شهرداری باغستان تحویل نمایند.

آدرس : شهریار - باغستان - بلوار امام خمینی (ره) - بلوار ولیعصر (عج) خیابان لاله دوم اصلی - شهرداری باغستان - امور قراردادها :تلفن: ۶۵۲۳۸۰۰۶ - ۰۲۱ سایت شهرداری baghestan.ir

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۷/۲۷ (یک شنبه)

تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۸/۰۴ (یک شنبه)

محمدرضا شمسایی شهردار باغستان

نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای توأم با ارزیابی کیفی به صورت فشرده(شماره فراخوان: ۲۰۰۴۰۰۱۱۰۵۰۰۰۲۰۴)

شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران
شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران

مناقصه گزار : شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران-منطقه اصفهان

موضوع مناقصه : عملیات لایروبی و گونی کشی کف مخزن، گاززدایی،سند بلاست اولیه، بازرسی فنی و داده برداری از مخزن سقف شناور آ ت5 باغملک

مبلغ برآورد مناقصه: ۷۲،۶۹۶،۸۲۶،۰۴۴ ریال

- محل و مکان اجرای کار: مرکز انتقال نفت مارون سه (شهید ملک)-استان خوزستان- شهرستان باغملک- کیلومتر ۵ جاده باغملک/ایذه

- مدت اجرای کار: ۱۵۲ روز

- نام دستگاه نظارت: واحد نگهداری و تعمیرات مکانیک منطقه اصفهان

- قیمت ها متناسب با کالای ساخت داخل با لحاظ کیفیت ارائه گردد.

- روش ارزیابی مالی بر اساس دستورالعمل روش ارزیابی مالی و تعیین کمترین قیمت متناسب در مناقصات وزارت نفت به شماره ۱۵۰-۲۰/۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۱ وزارت نفت میباشد.

- به موجب آئین نامه راهکارهای افزایش ضمانت اجرائی و تقویت حسابرسی ، به هنگام انعقاد قرارداد با برنده مناقصه ، ارائه صورتهای مالی حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی و شرکتهای حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی کشور الزامی است.

نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار :

مبلغ ۳،۶۳۴،۸۴۱،۳۰۲ ریال بصورت یک یا ترکیبی از ضمانت نامه های مندرج در بند های الف، ب، پ ،ج ،چ ،ح ، خ ماده ۴ آیین نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۵۰۶۵۹/۱۲۳۴۰۲ مورخ ۱۳۹۴/۹/۲۲ هیأت محترم وزیران(به غیر از بانک پاسارگادوسپه) می باشد. تضمین وجه نقدمیبایست به شماره شبا IR۳۶۰۱۰۰۰۰۴۱۰۱۰۴۶۸۳۸۱۶۲۸۰۱ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واریز گردد ضمنا"تاکید میگردد میبایست ضمانتنامه یا رسید وجه نقد در سامانه بارگذاری گردد .

گواهینامه های مورد نیاز :

- درج کد اقتصادی و شناسه ملی جهت اشخاص حقوقی(الزامی) در پیشنهاد قیمت مندرج در سامانه ستاد.

- دارا بودن و بارگذاری گواهینامه صلاحیت پیمانکاری معتبر حداقل رتبه ۵ در رشته تاسیسات و تجهیزات و یا نفت و گاز صادره از سازمان مدیریت و برنامه ریزی در سامانه ستاد الزامی میباشد.

- ارائه گواهینامه صلاحیت ایمنی معتبر از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی توسط برنده مناقصه هنگام انعقاد قرارداد الزامی است. در غیر اینصورت سایر اقدامات مطابق قانون انجام و ضمانت نامه مربوطه ضبط می گردد.

زمان و نحوه دریافت اسناد ارزیابی کیفی و مناقصه از طریق سامانه :

شرکت کنندگان مهلت دارند تا ساعت ۱۳ مورخ ۱۴۰۴/۸/۱۷ و با مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به نشانی www.setadiran.ir نسبت به دریافت اسناد اقدام نمایند.

لازم به ذکر است کلیه مراحل برگزاری مناقصه از فراخوان تا انتخاب برنده از سایت مزبور انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی در سامانه ستاد ، نسبت به ثبت نام و اخذ گواهی امضاء الکترونیکی اقدام نمایند و جهت عضویت با پشتیبانی سامانه ستاد به شماره ۰۲۱۴۱۹۳۴ تماس حاصل فرمایند. ضمناً درج کامل آدرس محل اقامتگاه شخص حقوقی (آدرس پستی شرکت)، شماره فکس و تلفن شرکت و مدیران شرکت در سامانه تدارکات الکترونیک دولت جهت ارسال دعوتنامه و هرگونه اطلاع رسانی برای کلیه شرکت کنندگان در مناقصه الزامی است.

زمان و مهلت تکمیل و بارگذاری اسناد ارزیابی کیفی و پیشنهادات در سامانه و مهلت تحویل اصل پاکت الف حاوی تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: شرکت کنندگان می بایست تا ساعت ۱۳ مورخ ۱۴۰۴/۹/۰۲ نسبت به تکمیل اسناد مربوطه و بارگذاری در سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) و تحویل اصل پاکت الف (اصل ضمانتنامه شرکت در فرآیند ارجاع کار/ اصل رسید واریز وجه نقد) لاک و مهر شده در مهلت مندرج در این بند به دفتر کمیسیون مناقصات نیز اقدام و رسید دریافت نمایند. (درصورت عدم تحویل اصل ضمانتنامه در سررسید مندرج در این بند ، پیشنهاد بازگشایی نخواهد شد.)

اعلام نتایج ارزیابی کیفی :

پس از انجام ارزیابی کیفی، دعوتنامه شرکت در جلسه بازگشایی پاکات (الف،ب،ج) برای مناقصه گرانی که صلاحیت ارزیابی کیفی را احراز نموده اند ارسال خواهد شد

زمان و مکان جلسه توجیهی:

جلسه توجیهی با شرکت کنندگان جهت بازدید از محل انجام کار، در تاریخ ۱۴۰۴/۸/۲۰ ساعت ۱۰:۰۰ صبح به نشانی مرکز انتقال نفت مارون سه (شهید ملک) (استان خوزستان- شهرستان باغملک- کیلومتر ۵ جاده باغملک/ایذه برگزار میگردد. جهت کسب اطلاعات بیشتر به پایگاه های ذیل مراجعه و یا از ساعت ۸ تا ۱۵:۳۰ روزهای کاری هفته با تلفن ۳۳۹۶۰۰۶۱ -۰۳۱ آقای مهندس ناظم تماس حاصل فرمائید .

www.ioptc.ir www.setadiran.ir www.shana.ir

روابط عمومی شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران

شناسه آگهی ۲۰۲۶۰۴۸

اسکناس

نسخه آنلاین روزنامه اقتصادی اسکناس را در وبسایت اینترنتی بخوانید

www.eskenasnewspaper.com

سرمقاله

فروپاشی درونی رژیم صهیونیستی

علی قادری
کارشناس مسائل بین‌الملل

قبل از «طوفان الاقصی» رژیم صهیونیستی به یُمن تبلیغات رسانه ای امپراطوری رسانه ای غرب به عنوان بازیگری قدرتمند در درون و بیرون به تصویر کشیده می‌شد. اما اکنون نظرسنجی های مؤسسه مطالعات امنیت داخلی رژیم صهیونیستی (INSS)[۱] نشان می دهد، در فراسوی جنگ و خونریزی و دود جنگ و ویرانه های غزه، نوع دیگری از تخریب در حال وقوع و همچون موریانه در حال فرسایش بی سر و صدای این رژیم است.

کاهش اعتماد سیاسی به حاکمان، شکاف های عمیق، ناامیدی فزاینده و محکومیت جهانی رژیم صهیونیستی را به مرحله‌ای جدید و خطرناک از انزوا سوق داده و تصویر دیرینه‌اش از وحدت و قدرت را فرسوده کرده است. آنچه امروز در این رژیم شاهد هستیم، فراتر از بحران سیاسی یا نظامی است؛ این بحران وجودی است که بنیادهای اجتماعی، روانی و اخلاقی صهیونیسم را به چالش می کشد.

شاید مهمترین نشانه فروپاشی درونی، فرسایش اعتماد میان نسل جوان باشد. نظرسنجی های اخیر مرکز تحقیقات سیاست خارجی (FPRI) نشان می دهند بیش از ۶۲ درصد جوانان رژیم صهیونیستی دیگر به آینده اعتقاد ندارند. این آمار نه تنها رقمی، بلکه بازتاب شکست عمیق در قرارداد اجتماعی است، قراردادی که نسل ها بر آن بنا شده بود. تمیر پاردو، رئیس سابق موساد در اظهاراتی هشدارگونه به شکست اعتراف کرد و گفت: ما روحیه خود را از دست می دهیم؛ رژیمی که زمانی ادعای وحدت داشت، اکنون به عرصه‌ای از کشمکش های قدرت و نفرت تبدیل شده است.

اما ریشه بحران عمیق تر از آمارهای نظرسنجی است. جامعه صهیونیسم با شکاف های چندگانه‌ای دست و پنجه نرم می کند که هر یک به تنهایی می توانند انسجام اجتماعی را به خطر بیندازند؛ این شکاف ها در کنار هم، به بحران وجودی تبدیل شده اند. شکاف مذهبی-سکولار، که همواره زیر سطح جامعه صهیونیسم جریان داشته، اکنون به گسلی باز تبدیل شده است. مسئله معافیت یهودیان اولترا-ارتدوکس از خدمت نظامی (در حالی که جنگ غزه متوقف شده است و سربازان روزانه کشته می شدند) به منبع اصلی خشم اجتماعی تبدیل شده است. چگونه می توان از بخشی از جامعه خواست فرزندان خود را به جنگ بفرستد، در حالی که بخش دیگر با استناد به دلایل مذهبی از این تکلیف معاف است؟

این تنها شکاف موجود نیست. تقسیمات قومی بین یهودیان اشکنازی و سفاردی، شکاف عمیق بین شهروندان صهیونیستی و عرب و تنش های طبقاتی و اقتصادی، همگی در حال افزایش هستند. این جامعه اکنون بیشتر شبیه مجموعه‌ای از قبایل متخاصم است که تنها به زور در کنار هم نگه داشته شده اند.

تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران در ژوئن به خوبی این تناقض را نشان داد. در مدت چند هفته جامعه صهیونی به تقسیمات و نارضایتی های قبلی خود بازگشت. چرا؟ زیرا در حالی که عملیات علیه ایران ادامه داشت، جنگ فرسایشی در غزه همچنان سربازان را می کشت، گروگان ها همچنان در اسارت بودند و هیچ چشم اندازی برای پایان وضعیت وجود نداشت.

در این بحران، کابینه راست‌گرای بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی به جای پاسخگویی به نگرانی ها، راه دیگری انتخاب کرد؛ سرکوب. لایحه مالیاتی سازمان های غیردولتی تلاش می کند سازمان های حقوق بشری و جامعه مدنی را به سکوت وادار کند. طبق این لایحه، سازمان هایی که بودجه خارجی دریافت می کنند باید تعهد بدهند در تظاهرات شرکت و از کابینه انتقاد نکنند، وگرنه با مالیات های سنگین مواجه خواهند شد. این عملاً به معنای انتخاب بین سکوت یا ورشکستگی است.

تظاهرات علیه جنگ غزه به شدت محدود شد. پلیس با ایجاد موانع بوروکراتیک، محدود کردن اندازه تجمعات و محصور کردن آنها در مناطق دورافتاده، حق تظاهرات را عملاً بی معنا کرد. ایتامار بن گویر، وزیر امنیت داخلی پیشنهاد کرد، تظاهراتی که جاده های اصلی را مسدود می کنند ممنوع شوند، اقدامی که عملاً تجمعات انبوه در مراکز شهرها را غیرممکن می کند.

نتانیاهو و اعضای کابینه از راهبرد «پوپولیسم امنیت‌محور» استفاده می کنند، معترضان را نه به عنوان شهروندانی با نظرات متفاوت، بلکه به عنوان تهدیدی برای امنیت داخلی معرفی می کنند. آنها را «کمک کننده به حماس» یا حتی «شاخه‌ای از حماس» می خوانند. این رویکرد نه تنها حق اعتراض را نفی می کند، بلکه خود مفهوم شهروندی دموکراتیک را زیر سؤال می برد.

شاید مهم‌تر از همه، رژیم صهیونی در نبرد روایت ها شکست خورده است. افکار عمومی جهانی که زمانی رژیم صهیونیستی را به عنوان قربانی تصور می کرد، اکنون آن را منبع اصلی بی ثباتی و خشونت در منطقه می بیند. حتی رسانه های غربی که زمانی حامی رژیم صهیونیستی بودند، اکنون درباره «فاجعه بشردوستانه» و «جنایات علیه بشریت» می نویسند. این انزوای اخلاقی شاید در بلندمدت مهم‌تر از هر شکست نظامی باشد. رهبران تل آویو نیز دیگر نمی توانند با اطمینان به آن نگاه کنند.

خبر ویژه

سخنگوی وزارت خارجه:

هیچ تصمیمی در شورای امنیت درباره بازگشت تحریم‌ها اتخاذ نشده است

سخنگوی وزارت خارجه با تاکید بر این که «روز ۲۶ مهرماه قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل طبق آنچه که در خود قطعنامه بیان شده پایان پیدا کرد» گفت: معتقدیم درباره بازگشت قطعنامه های لغو شده علیه ایران و بازگشت تحریم ها هیچ تصمیمی در شورای امنیت اتخاذ نشده است. «اسماعیل بقائی» در نشست «پاسخ حقوقی به تجاوز ۱۲ روزه از عدالت کیفری تا عدالت ترمیمی» در ابتدای سخنان خود در این نشست که در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران برگزار شد، با اشاره به نقض حقوق بین‌الملل از سوی برخی از کشورها در موارد مختلف گفت: در ارتباط با موضوع برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل نیز شاهد نقض قوانین بین‌الملل از سوی برخی از کشورها هستیم. این دیپلمات ارشد جمهوری اسلامی ایران با بیان اینکه «در دوالی سه ماه اخیر شاهد این بودیم که سه کشور اروپایی عضو برجام تلاش کردند قطعنامه های لغو شده شورای امنیت علیه ایران را بازگردانند و در واقع اسنپ بک رافعال کنند»، گفت: ما از ابتدا نیز گفتیم این اقدام اروپایی ها غیرقانونی است و این بیان ما صرفاً یک اعلام موضع نیست. وی با بیان این که «ما در واقع معتقدیم که هیچ تصمیمی در شورای امنیت در این ارتباط اتخاذ نشده است با توجه به اینکه دو عضو دائم شورای امنیت (چین و روسیه) با این تصمیم مخالف بودند، دو عضو دیگر نیز مخالفت خود را اعلام کردند و دو عضو دیگر شورای امنیت نیز به موضوع بازگشت تحریم ها رای ممتنع دادند»، خطاب به حضار و حقوقدانانی که در این جلسه حضور داشتند، گفت: از دوستان می خواهم که در این ارتباط بنویسند. در مورد این موضوع از دیدگاه حقوقی بسیاری از کشورها با ما هم نظر هستند چنانکه ما در اجلاس وزرای خارجه جنبش عدم تعهد این موضع گیری را از سوی ۱۲۰ کشور مشاهده کردیم.

آغاز نظم جدید منطقه‌ای با محوریت ایران و روسیه؛

پایان فصل برجام

اعظم پورکند

در تاریخ ۱۸ اکتبر، مهلت ده‌ساله تعیین‌شده در قطعنامه ۲۲۳۱ از روز تصویب «برنامه جامع اقدام مشترک برای حل‌وفصل موضوع برنامه هسته‌ای ایران» (برجام) به پایان می‌رسد.

در این مقطع، اجرای تمامی مفاد قطعنامه ۲۲۳۱، از جمله محدودیت‌ها و رویه‌های پیش‌بینی‌شده در آن، باید خاتمه یابد. شورای امنیت سازمان ملل متحد موظف است بررسی تمامی موضوعات مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران را به پایان برساند. همچنین، بند «عدم اشاعه» باید از فهرست موضوعات در دستورکار شورای امنیت سازمان ملل متحد خارج شود.

با توجه به اینکه این تغییرات از پیش در زمان توافق برجام مورد توافق قرار گرفته و در قطعنامه تصویب‌شده شورای امنیت سازمان ملل تثبیت شده‌اند، اجرای آنها نیز در فرمان ریاست جمهوری فدراسیون روسیه مورخ ۱۱ مارس ۲۰۱۶ با عنوان «درباره تدابیر اجرای قطعنامه شماره ۲۲۳۱ شورای امنیت مورخ ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۵» پیش‌بینی شده است و تمامی مفاد آن تا پایان مهلت مقرر معتبر باقی می‌ماند. توسعه آتی همکاری‌های روسیه و ایران در حوزه‌های مختلف، از این پس بر پایه قوانین ملی و تعهدات بین‌المللی ما انجام خواهد گرفت.

مبنای مستحکم این همکاری، «معاهده مشارکت جامع راهبردی میان فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران» است که در تاریخ ۲ اکتبر ۲۰۲۵ لازم‌الاجرا شد و در ژانویه سال جاری میلادی در سطح عالی در مسکو به امضا رسید.

لازم به ذکر است که تلاش‌های تهاجمی کشورهای اروپایی عضو برجام برای احیای قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت علیه ایران، که در چارچوب اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ لغو شده بودند، با شکست مواجه شد. برخلاف ادعاهای مکرر و بی‌اساس آنان، روند بازگرداندن محدودیت‌های تحریمی پیشین علیه ایران تحقق‌یافته محسوب نمی‌شود، زیرا بریتانیا، آلمان و فرانسه نقض‌های اساسی و فاحشی از قطعنامه ۲۲۳۱ مرتکب شده‌اند و همچنین رویه‌های مصوب که دقیقا برای جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده و دستکاری طراحی شده بودند، به‌طور کامل رعایت نشده است.

کشورهای اروپایی تصمیم گرفتند بدون هیچ ملاحظه‌ای از تمامی موانعی که در مسیر پیشبرد سیاست تقابلی آنان قرار داشت، عبور کنند. با این حال، طبق حقوق بین‌الملل، طرفی که خود به‌طور سیستماتیک تعهداتش را نقض کرده است، نمی‌تواند از سازوکارها و امتیازاتی که در همان توافق پیش‌بینی شده بهره‌مند شود.

اقدامات کشورهای اروپایی که از منظر حقوقی و رویه‌ای

فاقد هرگونه مبنای معتبر بوده و به صورت مقطعی و مصلحت‌گرایانه از سوی ایالات متحده امریکا، کشوری که مدت‌ها پیش خروج خود از برجام را اعلام کرده بود، و متأسفانه از جانب دبیرخانه سازمان ملل متحد حمایت شده‌اند، به‌هیچ‌وجه نمی‌توانند برای اعضای مسئول و متعهد جامعه بین‌المللی ایجاد الزام حقوقی نمایند.

همچنین یادآور می‌شویم که تمامی اهدافی که در گذشته به‌منظور تصویب قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران تعیین شده بود، مدت‌هاست تحقق یافته و این امر در دسامبر ۲۰۱۵ توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی رسماً تأیید گردید. بدون تحقق این اهداف، اجرای کامل و رسمی برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) امکان‌پذیر نمی‌بود.

موضع ما در این خصوص، که به‌تفصیل در بیانیه‌های وزارت امور خارجه روسیه مورخ ۲۰ و ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۵ و همچنین در نشست خبری سخنگوی وزارت خارجه در تاریخ ۲ اکتبر ۲۰۲۵ تشریح شده است، بدون تغییر باقی مانده است. تأکید می‌کنیم که شورای امنیت سازمان ملل هیچ‌گونه تصمیمی اتخاذ نکرده است که به دبیرخانه سازمان ملل متحد اختیار دهد به‌طور مستقل درباره احیای تحریم‌ها علیه ایران نتیجه‌گیری نماید. این موضوع در صلاحیت انحصاری شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار دارد.

فدراسیون روسیه درخواست رسمی خود را به دبیرکل سازمان ملل متحد ارسال کرده و خواستار آن شده است که وی فوراً اطلاعات نادرستی را که بدون مجوز و به‌طور خودسرانه در وب‌سایت رسمی سازمان درباره روند ادعایی «احیای» قطعنامه‌های از مدت‌ها پیش منقضی‌شده مربوط به ایران منتشر شده است، حذف نماید. به‌ویژه آن‌که در شرایط کنونی، این قطعنامه‌ها فاقد هرگونه هدف مورد توافق، مهلت اجرایی و سازوکار لغو می‌باشند. خودداری دبیرکل سازمان ملل متحد از اصلاح این خطای دبیرخانه، به‌منزله آن خواهد بود که دبیرکل و کارکنان دبیرخانه عمدا و آگاهانه در نقض ماده ۱۰۰ منشور ملل متحد عمل می‌کنند.

با پایان اعتبار قطعنامه ۲۲۳۱، برجام که روزگاری به‌حق یکی از دستاوردهای بزرگ دیپلماسی بین‌المللی به‌شمار می‌رفت، رسماً به تاریخ می‌پیوندد. در سال‌های نخست پس از تصویب، این توافق به‌سرعت اثربخشی و کارآمدی خود را نشان داد و این امکان را داد تا آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تمامی پرسش‌های باقی‌مانده خود درباره ایران را به‌طور کامل رفع نماید.

اجرای موفق برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) با هدف فراهم ساختن امکان بهره‌برداری کامل تهران از حق خود در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای مطابق با معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) و تعهدات ناشی از آن، پیش‌بینی شده بود. پس از پایان اعتبار برجام، نگرش نسبت به برنامه هسته‌ای ایران باید همانند برنامه هسته‌ای هر کشور عضو NPT که فاقد سلاح هسته‌ای است، باشد.

«توافق هسته‌ای» هرگز بر مبنای نقض تعهدات از سوی ایالات متحده و کشورهای اروپایی عضو طراحی نشده بود. کشورهایی که اکنون با تمام توان درصدد توجیه اقدامات خود و مشروع جلوه دادن رفتار دل‌بخواهانه خود هستند و بی‌شرمانه از اعتبار و اختیارات شورای امنیت سازمان ملل متحد سوءاستفاده می‌کنند. هدف برجام، لغو جامع تمامی تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و همچنین تحریم‌های چندجانبه و ملی مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران بود. اکنون، در چارچوب سازمان ملل متحد، این مسیر به پایان رسیده است. محدودیت‌هایی که خارج از سازوکار شورای امنیت سازمان ملل متحد اعمال شده‌اند، غیرقانونی هستند.

تاریخ ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ به‌عنوان روز رسمی پایان اعتبار قطعنامه ۲۲۳۱ تعیین شده است و هیچ تصمیمی برای لغو آن اتخاذ نشده است. ابتکار مشترک روسیه و چین برای تمدید فنی برجام به مدت شش ماه، با تکبر از سوی کشورهای غربی رد شد. اقداماتی که بار دیگر ناتوانی این کشورها در انجام توافق‌های چندجانبه و تکیه آنان بر روش‌های غیرقانونی و زورگویی را آشکار ساخت. از این پس، نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای در جمهوری اسلامی ایران صرفا بر پایه معاهده NPT و توافق جامع پادمان میان ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی انجام خواهد شد.

طرف روسی همچنان پایبندی کامل خود را به مسیر سیاسی و دیپلماتیک برای حل‌وفصل موضوع برنامه هسته‌ای ایران حفظ می‌کند و از تمامی طرف‌های دخیل می‌خواهد تلاش‌های خود را به یافتن راه‌حل‌های لازم معطوف کنند تا از بروز یک تنش جدید و کنترل‌ناپذیر، که پیامدهای سنگینی برای امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی به همراه دارد، جلوگیری شود. روسیه آماده است در این مسیر تمام توان خود را برای همکاری و حمایت به‌کار گیرد.

حماس با چه شرایطی تن به خلع سلاح می‌دهد؟

یک مقام رسمی حماس گفت این گروه تا زمان برگزاری مذاکرات بیش‌تر متعهد به خلع سلاح نخواهد شد.

■ خلع سلاح و دوام سه تا پنج ساله آتش‌بس

محمد نزال، عضو دفتر سیاسی حماس، در مصاحبه‌ای با خبرگزاری رویترز گفت: «حماس به طور یک جانبه متعهد به خلع سلاح نخواهد شد و امیدوار است آتش‌بس با اسرائیل سه تا پنج سال دوام داشته باشد تا غزه بازسازی شود».

نزال در پاسخ به این سوال که آیا حماس سلاح‌های خود را تحویل خواهد داد، گفت: «من نمی‌توانم با بله یا خیر پاسخ دهم. صادقانه بگویم، این بستگی به ماهیت روند دارد. پروژه خلع سلاحی که شما در مورد آن صحبت می‌کنید، به چه معناست؟ سلاح‌ها به چه کسی تحویل داده خواهد شد؟»

■ بازه زمانی سه تا پنج ساله آتش‌بس

دیپلمات‌های عرب پیش از این به میدل ایست آی گفته بودند که میانجی‌ها در حال مذاکره با حماس در مورد تحویل سلاح‌های آن به نیروهای حافظ صلح عرب یا قفل کردن سلاح‌های دوربرد مانند موشک‌ها به جای نابودی آنها هستند.

طرح صلح ۲۰ ماده‌ای دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده، خواستار غیرنظامی شدن حماس است. هم‌چنین خواستار خروج کامل و مرحله‌ای اسرائیل از نوار غزه است. این طرح جدول زمانی برای هیچ یک از مراحل ارائه نمی‌دهد.

واکنش اولیه به توافق آتش‌بس غزه شورانگیز بوده است. اما دشوار است که بتوان خوش‌بینی ترامپ را پذیرفت که این آتش‌بس دروازه‌ای به سوی «دگرگونی گسترده خاورمیانه» گشوده است، یا حتی اینکه می‌تواند در برابر واقعیت‌های میدانی غزه دوام آورد.

نزال گفت حماس وقتی برای مرحله دوم توافق پای میز مذاکره بنشیند، پاسخی «روشن» و قطعی خواهد داشت و باید با سایر گروه‌های فلسطینی نیز مشورت شود. جبهه مردمی برای آزادی فلسطین و جهاد اسلامی هر دو در غزه فعالیت می‌کنند.

نزال گفت که حماس به دنبال یک بازه زمانی سه تا پنج ساله برای آتش‌بس است تا غزه بتواند برای اهداف غیرنظامی بازسازی شود. این اظهارات او موضع علنی حماس در مورد جدول زمانی مورد انتظار برای اجرای توافق است.

■ خرید زمان؟

او در پاسخ به پرسش رویترز که آیا این پیش‌بینی به معنای خرید زمان توسط این گروه برای مسلح شدن مجدد برای جنگ دیگری است یا خیر، گفته: «هدف آماده شدن برای جنگ بعدی نیست - هدف این است که ما خواهان آتش‌بس باشیم که در آن نوار غزه را بازسازی کنیم زیرا میانگین سال‌های مورد نیاز برای بازسازی نوار غزه حداقل پنج سال است و من نمی‌خواهم کمتر یا بیشتر بگویم، اما این میانگین است».

او گفت: «اولویت ما در این دوره‌ای که مطرح می‌کنیم، ساختن نوار غزه و بازگرداندن نوار غزه به زندگی عادی غیرنظامی است، این اولویت ماست». او افزود: «اما اگر طرف‌هایی هستند که پس از این دوره زمانی، تضمین‌هایی برای آینده می‌خواهند، این کشورها باید امید واقعی به مردم فلسطین بدهند. مردم فلسطین خواهان یک کشور مستقل فلسطینی هستند».

■ مرحله انتقالی

متن طرح ۲۰ ماده‌ای ترامپ می‌گوید که حماس هیچ نقشی در حکومت آینده غزه نخواهد داشت، اما اعضای این گروه شامل عفو عمومی می‌شوند. این طرح خواستار اداره غزه توسط یک نهاد فلسطینی تکنوکرات است که تحت نظارت به اصطلاح «هیئت صلح» به ریاست ترامپ باشد. این طرح شامل زبانی ملایم است که می‌گوید تشکیلات خودگردان فلسطین ممکن است پس از اصلاحات نامشخص، غزه را به دست بگیرد. این طرح اشاره مختصری به یک کشور بالقوه فلسطینی می‌کند.

در عمل، حماس نشان داده است که هم‌چنان سازماندهی خوبی دارد. نیروهای امنیتی حماس پس از آتش‌بس در سراسر غزه مستقر شدند. خود ترامپ گفت که با استقرار حماس برای جلوگیری از جرم موافق است، اما سپس گفت که می‌خواهد این گروه خلع سلاح شود.

نزال در پاسخ به سوالی در مورد استقرار نیروها گفت: «این یک مرحله انتقالی است. از نظر مدنی، همانطور که گفتم، یک دولت تکنوکرات وجود خواهد داشت. در عمل، حماس حضور خواهد داشت». او گفت پس از مرحله انتقالی، باید انتخابات فلسطین برگزار شود.

حماس از سال ۲۰۰۷ غزه را اداره می‌کند. درگیری بین حماس اسلام‌گرا و رقیب سکولار آن، فتح، پس از به قدرت رسیدن حماس در انتخابات قانونگذاری فلسطین آغاز شد. مذاکرات آشتی بین فتح و حماس سال‌هاست که ادامه دارد، اما پیشرفت کمی در بهبود روابط برای برگزاری انتخابات جدید حاصل شده است.

اخبار

در گفت‌وگوی عراقچی و امیرخان متقی مطرح شد:

حق‌آبه هیرمند و آمادگی ایران برای کاهش تنش بین کابل و اسلام‌آباد

«سید عباس عراقچی»، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، و مولوی «امیرخان متقی»، وزیر امور خارجه حکومت سرپرستی افغانستان، طی تماسی تلفنی آخرین تحولات منطقه‌ای و روابط دوجانبه را بررسی کردند.

وزیر امور خارجه کشورمان ضمن ابراز نگرانی نسبت به تحولات و درگیری‌های اخیر میان افغانستان و پاکستان، بر لزوم خویشتن‌داری، توقف درگیری‌ها و حل اختلافات از طریق گفت‌وگو و مذاکره تأکید کرد. وی خاطرنشان ساخت که ادامه تنش‌ها میان دو کشور مسلمان نه تنها منجر به خسارت‌های انسانی می‌شود، بلکه ثبات کل منطقه را نیز به مخاطره می‌اندازد. عراقچی همچنین آمادگی جمهوری اسلامی ایران را برای کمک به کاهش تنش‌ها و تسهیل گفتگوهای سازنده میان دو کشور برادر و مسلمان اعلام کرد. در این مکالمه، موضوع حق‌آبه رودخانه هیرمند نیز مورد بررسی قرار گرفت. طرفین بر ضرورت رعایت توافقات آبی و همکاری فنی دو کشور برای مدیریت منابع آب و جلوگیری از هدررفت آن تأکید کردند و بر اهمیت انجام اقدامات مشترک برای تأمین حق‌آبه ایران و استفاده بهینه از منابع آب در فصل جاری توافق کردند.

نماینده مجلس:

عدم حضور در اجلاس شرم‌الشیخ تصمیمی بجا و عزتمندانه بود

یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با تاکید بر اینکه تصمیم رئیس جمهوری و وزیر خارجه برای عدم حضور در اجلاس شرم‌الشیخ بسیار بجا و عزتمندانه‌ای بود، اظهار کرد: در این اجلاس شاهد بودیم که ترامپ رفتارهای سخیفی نسبت به حکام عرب داشت و در این برخوردها، آنها را کوچک کرد.

محمدتقی نقدعلی نماینده مردم خمینی شهر در مجلس شورای با اشاره به طرح ادعاهایی از سوی رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا مبنی بر تمایل به صلح با ایران اظهار کرد: امروز شاهد یک نفاق بین‌المللی هستیم که از یک طرف مستکبران و استکبار جهانی و صهیونیسم، تمام زیرساخت‌های کشورهای جهان سوم و کشورهای اسلامی را مورد هدف قرار می‌دهند و از طرف دیگر آنها را به ذلت وادار می‌کنند. وی در پایان با تقدیر از رئیس جمهوری جهت اتخاذ تصمیم برای عدم حضور در اجلاس شرم‌الشیخ گفت: تصمیم رئیس جمهوری و وزیر خارجه در این زمینه تصمیم بسیار بجا و عزتمندانه بود. در این اجلاس مشاهده کردیم که رئیس جمهوری آمریکا چگونه با این دهن کجی‌ها و رفتار و گفتار بی‌ادبیانه خود حتی نسبت به کسانی که ادعای صداقت و رفاقت با آنها را دارد، توهین کرد و حتی در اقدامی بی سابقه در میان سیاستمداران دنیا، خطاب به آن‌ها گفت که «از بعضی از شما بدم می‌آید».

سی جی تی ان:

با وجود انقضای برجام، ایران خواهان حقوق هسته‌ای خود است

رسانه چینی در گزارشی درباره پایان برجام، آن را «لحظه‌ای سرنوشت‌ساز برای ایران در شکل‌دهی به مسیر آینده خود» توصیف و تاکید کرد: اما ایالات متحده به خواسته ایران برای ازسرگیری مذاکرات هسته‌ای توجهی نداشته است.

توافق تاریخی ۱۰ ساله امضا شده میان ایران و قدرت‌های جهانی که هدف آن، محدودیت فعالیت‌های هسته‌ای در ازای لغو تحریم‌های اقتصادی تهران بود به‌طور رسمی امروز، ۱۸ اکتبر (۲۷ مهرماه) به پایان می‌رسد. «سید عباس عراقچی» وزیر امور خارجه ایران، جمعه شب اعلام کرد که قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز به‌طور رسمی در این تاریخ منقضی می‌شود. شبکه سی جی تی ان در گزارش خود درباره پایان برجام تصریح کرد: قطعنامه ۲۲۳۱ که در ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۵ به اتفاق آرا تصویب شد، برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) را تأیید و مجموعه‌ای از محدودیت‌ها را بر فعالیت‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران اعمال کرد. طبق مفاد آن، این اقدامات قرار بود ۱۰ سال پس از تصویب، در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ منقضی شوند.

خبر ویژه

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس:

هدف قانون کالابرگ الکترونیکی ممانعت از گرانی اقلام خوراکی است

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس با تأکید بر اینکه فلسفه کالابرگ الکترونیکی جلوگیری از تورم کالاهای اساسی است، گفت: دولت‌ها متأسفانه مسیر اجرای این طرح را اشتباه رفته‌اند و به جای حفظ قیمت ثابت برای اقلام ضروری، آن را به پرداخت نقدی و خرید آزادانه کالاها تبدیل کرده‌اند.
عبدالرضا مصری درباره ضرورت اصلاح مسیر اجرای طرح کالابرگ الکترونیکی، اظهار داشت: در زمینه کالابرگ الکترونیکی باید مسیر درستی طی شود. این طرح در اصل آمده تا مردم بتوانند کالاهای مورد نیاز روزمره خود را با قیمت ثابت و قابل پیش‌بینی تهیه کنند. نماینده مردم «کرمانشاه» در مجلس ادامه داد: فلسفه اجرای کالابرگ - به موجب قوانین - این بود که دولت کالاهای اساسی را با قیمت ثابت و در طی سال در اختیار مردم قرار دهد. از سوی دیگر، چون دولت برای این کالاها ارز ترجیحی اختصاص می‌دهد، طبیعی است که نباید افزایش قیمتی در بازار ایجاد شود. با این حال، شاهدیم که دولت‌ها نه تنها این موضوع را به درستی اجرا نکرده‌اند، بلکه این موضوع را به همه کالاها بسط و گسترش می‌دهند یعنی سمت نقدی سازی رفته‌اند و گفته‌اند مردم می‌توانند با اعتبار کالابرگ هر کالایی را بخرند
عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس تصریح کرد: ما پیرو اجرای این قانون تلاش داشتیم که اقلام ضروری که مردم هر روز با آن مواجه‌اند، گران نشود. در غیر این صورت اگر دولت یارانه نقدی و کالابرگ الکترونیکی را در اختیار مردم گذاشته اما در بازار مثلاً قیمت مرغ از ۹۰ هزار تومان به ۱۶۰ هزار تومان برسد، این طرح دیگر به چه کار می‌آید؟

گفت‌وگو

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس تاکید کرد:

بنگاه داری آفت بزرگ بانک ها

حمید اسکندری/ گروه اقتصاد

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس گفت: آفت بزرگ بانک ها؛ بنگاه داری و ورود مستقیم به تجارت، احتکار، رقابت با تولیدکنندگان و فعالین اقتصادی بویژه در بخش خصوصی است. بانکی که اقدام به خرید هزاران واحد آپارتمان، دهها هزار سکه، صدها هکتار زمین، باشگاه رفاهی در شمال تهران و دهها اقدام غیرمولد اقتصادی دیگر در کشور می کند هم به شریان های اقتصادی کشور صدمات جبران ناپذیر می زند و هم تورم های کمرشکن را به اقشار آسیب پذیر تحمیل می کند. منوچهر متکی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس به چند سوال اقتصادی پاسخ داد که متن گفت و گو را در ذیل می خوانید:

■ نظرتان در خصوص رویکردها و عملکرد بانک‌ها در کشور چیست؟

متکی: نظام بانکی کشور دچار انحراف از موازین بانکداری اسلامی و بحران کارکردی و مدیریتی است، ما در مجلس اول قانون نظام بانکداری اسلامی را تصویب کردیم اما مجریان با نادیده گرفتن قانون و اصطلاحا با گذاشتن کلاه شرعی بلایی به سر اقتصاد کشور آوردند که ناترازی بخشی از آن است.
متاسفانه؛ هیچ یک از عملیات بانکی به طور واقعی در چارچوب عقود اسلامی مندرج در قانون صورت نمی گیرد. راحت تر بگویم کارگزاران بانکی نه قانون را قبول دارند و نه آن را قابل اجرا می دانند! و بنده تعجب می کنم از برخی صاحبنظران فقهی مستقر در مناصب و جایگاه های بانکی که در مقابل این شرایط سکوت می کنند.
واقعیت این است که نظام بانکی ما با کنار زدن قانون بانکداری اسلامی عملیات بانکی ما را آلوده به ربا نموده و حکم "بما انزل الله" را در این زمینه تعطیل کرده اند.

■ غیر از انحراف از موازین در بحث بحران کارکردی بانک ها نظرتان چیست؟

متکی: به صورت طبیعی در نظام های بانکی فعالین اقتصادی و مردم عادی با استفاده از منابع بانکی راه اندازی چرخ تولید را رقم می زنند و فلسفه وجودی بانک ها که منابع عظیم مالی را از طریق سپرده گذاری مردم و تخصیص اعتبارات مختلف در خود جای داده اند ارائه تسهیلات برای راه اندازی تولید و حل مشکلات مردم است و البته در مشارکت با این تسهیلات صاحبان این منابع (سپرده گذاران) بهره مند از سود فعالیت اقتصادی می شوند؛ متاسفانه در کشور ما صرفا بانک ها از تسهیلات خود سود برده و به طبقات ساختمان هایشان اضافه می شود و وام گیرندگان زیربار تسویه اصل و سود تا ۴۰ درصدی! و جریمه های نجومی نهایتا داشته های اولیه خود را باید واگذار نمایند که این چرخه معیوب باید ریشه یابی و درمان شود.

■ بنگاه داری بانک ها چه میزان بر افزایش تورم و ایجاد اختلال در نظام اقتصادی می انجامد؟

متکی: آفت بزرگ بانک ها بنگاه داری و ورود مستقیم به تجارت، احتکار، رقابت با تولیدکنندگان و فعالین اقتصادی بویژه در بخش خصوصی است. بانکی که اقدام به خرید هزاران واحد آپارتمان، دهها هزار سکه، صدها هکتار زمین باشگاه رفاهی در شمال تهران و دهها اقدام غیرمولد اقتصادی دیگر در کشور می کند هم به شریان های اقتصادی کشور صدمات جبران ناپذیر می زند و هم تورم های کمرشکن را به اقشار آسیب پذیر تحمیل می کند؛ بنابراین اگر مدیر متخلف بانکی که عتاب مقام معظم رهبری درخصوص دیوار بی انتهای باشگاه رفاهی اش را برنتابید محاکمه علنی و مجازات می ش دشاهد ادامه این سیاست غلط نبودیم.
بانک ها اقدام به تاسیس بعضا چند صد شرکت وابسته به خود نمودند که برای تامین منابع مالی خود بخش قابل توجهی از منابع بانک ها را می بلعند، این شرکت ها که سهم بالایی از شرکت های دولتی را به خود اختصاص می دهند؛ لذا مهم ترین رقبای شرکت های خصوصی در گرفتن پروژه ها، پیمانکاری ها و دیگر عرصه هاست. معتقدم ورود اینگونه بانک ها به فعالیت های اقتصادی، آنها را از هدف اصلی نظام بانکداری که کمک به فعالان اقتصادی است دور می کند.

«اسکناس» ریشه‌های ناکارآمدی نظام مالی کشور را بررسی کرد

وقتی بانک‌ها مسیر توسعه را مسدود می کنند

رئیس اسبق سازمان خصوصی‌سازی با تأکید بر اینکه سه بازار مالی کشور پول، سرمایه و بیمه به‌صورت جزیره‌ای و بدون هماهنگی عمل می‌کنند، گفت: تمرکز تأمین مالی بر نظام بانکی موجب تضعیف بازار سرمایه و حبس منابع در فعالیت‌های غیرمولد شده است.
دکتر حسن‌علی قنبری اقتصاددان و رئیس اسبق سازمان خصوصی‌سازی در گفت‌وگوی تفصیلی به واکاوی ریشه‌های ناکارآمدی نظام مالی کشور پرداخت و با اشاره به عملکرد منفرد و غیرهماهنگ بازارهای پول، سرمایه و بیمه، تأکید کرد: تمرکز بیش از حد بر نظام بانکی و فقدان تفکیک وظایف میان نهادهای مالی، باعث شده است بازار سرمایه نتواند نقش واقعی خود را در تأمین مالی تولید ایفا کند.
او در این گفت‌وگو همچنین درباره نسبت بازار آزاد با مداخله دولت، پیامدهای خصوصی‌سازی بانک‌ها، عملکرد بانک‌های خصوصی و تجربه کشورهای درحال‌توسعه مانند هند در هدایت منابع مالی به‌سمت تولید، دیدگاه‌های خود را تشریح کرد.

نوسانات شدید و نبود حمایت نهادی، مانع جذب مردم به بورس شده است

■ با توجه به اینکه شما در بازار سرمایه نیز تجربه و فعالیت دارید، ارزیابی‌تان از نقش این بازار در تأمین مالی تولید چیست؟ آیا بورس توانسته است این وظیفه را در اقتصاد کشور ایفا کند؟

قنبری: متأسفانه خیر. بازار سرمایه در ایران تاکنون نتوانسته است نقش مؤثری در تأمین مالی بخش تولید و فعالیت‌های اقتصادی داشته باشد. ساختار اقتصاد ما همچنان بانک‌محور است و عمده تأمین منابع مالی از طریق سیستم بانکی انجام می‌شود.
بازدهی بازار سرمایه به‌دلیل نوسانات شدید و غیرقابل پیش‌بینی، هنوز نتوانسته است جذابیتی پایدار برای سرمایه‌گذاران خرد و عموم مردم ایجاد کند. اکثریت جامعه توان پذیرش این میزان از ریسک را ندارند؛ به‌ویژه در شرایطی که بازارهای موازی همچون ارز، طلا، مسکن و بازار پول، ثبات نسبی و بازدهی قابل پیش‌بینی‌تری دارند، به همین دلیل، بورس نتوانسته است اعتماد عمومی را جلب کند تا سرمایه‌های خرد به‌سمت انتشار اوراق و تأمین مالی شرکت‌ها سوق پیدا کند، اگر این اتفاق رخ می‌داد، فشار از دوش سیستم بانکی برداشته می‌شد و شرکت‌ها می‌توانستند مستقیماً از طریق ابزارهای بازار سرمایه منابع خود را تأمین کنند،
اما واقعیت این است که ریسک بالا، نبود تضمین کافی و ضعف حمایت نهادهای اقتصادی باعث شده است بازار سرمایه به‌جای رشد و توسعه، جایگاه خود را در نظام تأمین مالی از دست بدهد.

■ برای رفع این چالش و پررنگ‌تر کردن نقش بازار سرمایه در تأمین مالی تولید، چه راهکارهایی وجود دارد؟

قنبری: راهکار اصلی، ایجاد جذابیت و اعتماد عمومی است، مردم زمانی به بازار سرمایه جذب می‌شوند که مطمئن باشند بازدهی این بازار حداقل معادل یا بالاتر از سایر بازارهای موازی است. اگر تجربه مردم از حضور در بورس با زیان، ضرر و حسرت نسبت به رشد سایر بازارها همراه باشد، طبیعی است که تمایلی برای سرمایه‌گذاری در آن نخواهند داشت.
در زمان حاضر تنها بازاری که به‌دلیل امنیت سرمایه و تضمین بازدهی، سپرده‌های مردم را جذب می‌کند، بازار پول است، این در حالی است که ما اجازه نمی‌دهیم سیستم بانکی در بخش سرمایه فعال شود یا در بازار سرمایه نقش‌آفرینی کند. یکی از حلقه‌های مفقوده بازار سرمایه ما همین موضوع است: بازدارندگی در برابر حضور نظام بانکی در بورس. از سوی دیگر، بانک‌ها نیز وقتی تسهیلاتی اعطا می‌کنند و پروژه‌ها به نتیجه نمی‌رسد، مجبور می‌شوند بنگاه‌های بدهکار را تملک کنند، در ادامه به اشتباه متهم می‌شوند که بنگاه‌داری می‌کنند، در حالی که این بنگاه‌ها در اصل به سیستم بانکی تحمیل شده‌اند. بنابراین اگر بخواهیم بازار سرمایه جایگاه واقعی خود را در تأمین مالی پیدا کند، باید نقش بانک‌ها در این حوزه بازتعریف شود، ریسک‌ها کاهش یابد، و از سرمایه‌گذاران خرد حمایت‌های نهادی و قانونی صورت گیرد، تنها در این صورت می‌توان به احیای اعتماد عمومی و مشارکت واقعی مردم در این بازار امیدوار بود.

■ برخی کارشناسان معتقدند بازار سرمایه کنونی ایران مبتنی بر اقتصاد آزاد یا به اصطلاح «لسفر» است. از دید شما، مشکل اصلی عملکرد بازار سرمایه از درون خود این بازار ناشی می‌شود یا از ساختار آزاد و غیرمداخله‌ای اقتصاد ایران؟

قنبری: همان‌طور که اشاره کردم، ریشه اصلی مشکلات بازار سرمایه در حلقه مفقوده نظام مالی کشور نهفته است. ما سه بازار مالی اصلی داریم؛ بازار سرمایه، بازار پول و بازار بیمه، متأسفانه این سه بازار در ایران به‌صورت منفرد و جدا از یکدیگر عمل می‌کنند و هیچ ارتباط یا هم‌افزایی نظام‌مندی بین آن‌ها وجود ندارد، در واقع، این بازارها به‌جای همکاری، در بسیاری موارد در رقابت با یکدیگر هستند.
در حالی که وظیفه سیاست‌گذاران کلان اقتصادی این است که مرز وظایف هر بخش را مشخص و تفکیک کنند. اگر تمام تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی صرفاً به‌عهده نظام بانکی گذاشته شود، دیگر جایی برای ایفای نقش بازار سرمایه باقی نمی‌ماند. بازار سرمایه در چنین شرایطی همواره در سایه رقابت نابرابر با شبکه بانکی قرار دارد و طبعاً نمی‌تواند از عهده این رقابت برآید.

■ برای اصلاح این وضعیت باید تفکیک کارکردها در نظام مالی کشور به‌طور دقیق انجام شود، به‌عنوان نمونه، تأمین مالی خرد مانند اعطای کارت‌های اعتباری، تسهیلات کوتاه‌مدت و وام‌های سرمایه در گردش، باید به‌طور کامل در اختیار سیستم بانکی باشد؛ چراکه این حوزه ماهیت بانکی دارد،
اما در مقابل، پروژه‌های بلندمدت، طرح‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری‌های کلان باید از طریق بازار سرمایه تأمین مالی شوند، این تفکیک باعث می‌شود ریسک بین دو بازار پول و سرمایه تقسیم شود و نظام مالی کشور به‌صورت هماهنگ عمل کند، در چنین ساختاری، بازار سرمایه می‌تواند نقش واقعی خود را در تأمین مالی تولید ایفا کند و کنار بانک‌ها، بازوی دوم نظام تأمین مالی کشور باشد.

■ آقای دکتر، تفاوت بازار سرمایه در اقتصادی مانند ایران با کشورهایی که این بازار نقش فعالی در رونق تولید دارد چیست؟ چرا بورس در آن کشورها می‌تواند در خدمت تولید قرار گیرد اما در ایران چنین کارکردی ندارد؟

قنبری: پیش‌شرط هرگونه تأمین مالی در بازار سرمایه، کنترل و مدیریت ریسک است. پیش از آنکه تأمین مالی شکل بگیرد، باید برای کاهش نوسانات و ایجاد ضربه‌گیرهای اطمینان‌بخش برای سرمایه‌گذاران چاره‌اندیشی شود، تا زمانی که مردم احساس نکنند سرمایه‌شان در معرض ضرر و زیان‌های سنگین نیست، نمی‌توان انتظار داشت که منابع خود را وارد بازار سرمایه کنند.
بازار سرمایه ما هنوز نوپا و در مرحله ابتدایی توسعه است. بسیاری از فعالان خرد و تازه‌واردان نمی‌دانند چه سهامی را باید خریداری کنند، کدام اوراق بهادار مطمئن‌تر است و در کجا می‌توانند بازدهی متناسب با ریسک خود به دست آورند، این سردرگمی ناشی از نبود نهادهای مشاوره‌ای و رتبه‌بندی مستقل است که در سایر کشورها نقش کلیدی دارند، به‌عنوان مثال، در کشورهای پیشرفته، شرکت‌های رتبه‌بندی مالی (Rating Agencies) وجود دارند که سهام و اوراق بهادار را بر اساس میزان ریسک و بازدهی طبقه‌بندی و ارزیابی می‌کنند. سرمایه‌گذار، با مراجعه به این ارزیابی‌ها می‌تواند تصمیم بگیرد کدام سهم با سطح تحمل ریسک او سازگارتر است،
در ایران اما چنین سازوکاری وجود ندارد، وضعیت به‌گونه‌ای است که گویا سرمایه‌گذار را وارد استخری می‌کنیم که همه نقاط آن عمق یکسان دارد و هیچ نشانه‌ای از خطر یا امنیت در بخش‌های مختلف مشخص نشده است، در چنین شرایطی، سرمایه‌گذار مبتدی طبعاً از ورود به بازار می‌ترسد یا پس از تجربه زیان، از آن خارج می‌شود.
نمونه‌ای از تجربه‌های موفق در بازار ما، صندوق‌های مبتنی بر طلا هستند که با سرمایه‌گذاری در دارایی‌های فیزیکی و پشتوانه‌دار، اعتماد مردم را جلب کرده‌اند و بازدهی مناسبی نیز ارائه داده‌اند، این نشان می‌دهد که هرجا شفافیت، پشتوانه دارایی و مدیریت حرفه‌ای ریسک وجود داشته، اقبال مردم افزایش یافته است،
بنابراین برای اینکه بازار سرمایه در ایران بتواند همچون سایر کشورها به رونق تولید و تأمین مالی پایدار منجر شود، باید چند اقدام اساسی صورت گیرد:
۱. ایجاد نظام رتبه‌بندی و ارزیابی اوراق و سهام برای هدایت سرمایه‌گذاران بر اساس سطح ریسک‌پذیری‌شان؛
۲. آموزش و فرهنگ‌سازی گسترده برای تازه‌واردان و سرمایه‌گذاران خرد؛
۳. توسعه ابزارهای پوشش ریسک و بیمه‌های مالی برای کاهش آسیب‌پذیری سرمایه‌گذاران،
تا زمانی که این زیرساخت‌ها فراهم نشود، بازار سرمایه در ایران همچنان بازاری پرریسک، بی‌اعتماد و ناکارآمد در ایفای نقش تأمین مالی تولید باقی خواهد ماند.

■ برخی مدافعان اقتصاد آزاد یا به اصطلاح «لِسِه فِر» همواره با هرگونه تنظیم‌گری و سیاست‌گذاری دولت، با برچسب‌هایی چون «مداخله» یا «قیمت‌گذاری دستوری» مخالفت می‌کنند، نظر شما در این‌باره چیست؟

قنبری: من شخصاً موافق ترویج قیمت‌گذاری دستوری به‌معنای سنتی آن نیستم، اما باید میان مقررات‌گذاری هوشمند و مداخله کورکورانه تفاوت قائل شد. در بسیاری از بخش‌های اقتصاد، از جمله بازار کار، ما دچار نوعی قیمت‌گذاری دستوری نامتوازن هستیم که نتایج معکوس داشته است،
برای مثال، در بازار کار، با وجود نیت حمایت از نیروی انسانی، تعیین دستوری حداقل مزد باعث شده است انگیزه جذب نیروی کار کاهش یابد، در نتیجه، کارفرمایان در بسیاری از موارد از به‌کارگیری نیروی جدید خودداری می‌کنند، در حالی که بسیاری از کارجویان حتی حاضرند با دستمزد پایین‌تر وارد بازار شوند تا فعال بمانند، این نوع تنظیم‌گری ناکارآمد، خود به گسترش بیکاری پنهان و آشکار در کشور منجر شده است،
اما تنظیم‌گری هوشمندانه به‌معنای هدایت بازار در مسیر منافع عمومی است، نه کنترل قیمتی. تجربه کشورهای موفق نشان داده است که نقش دولت در هدایت منابع و جلوگیری از انحصار، به‌ویژه در نظام مالی، کلیدی است.

■ شما پیش‌تر عملکرد بانک‌های خصوصی را «ضدتوسعه» توصیف کرده‌اید، این ارزیابی بر چه مبنایی است؟

قنبری: عمده بانک‌های خصوصی در ایران، به‌خلاف هدف اولیه تأسیس‌شان، به‌جای ایفای نقش توسعه‌ای، به‌سمت فعالیت‌های غیرمولد سوق یافته‌اند. این بانک‌ها چون بودجه و دستورالعمل‌های حاکمیتی ندارند و عملاً تحت نظام نظارتی منسجم قرار ندارند، منابع خود را در هر حوزه‌ای که بیشترین بازدهی کوتاه‌مدت دارد متمرکز می‌کنند؛ خواه در بازار ارز و مستغلات باشد یا در حمایت از مشتریان خاص و وابسته،
در نتیجه، توزیع اعتبارات در اقتصاد به‌شکل عادلانه انجام نمی‌شود. بخش تولید که نیازمند منابع مالی پایدار است، از این چرخه حذف می‌شود و منابع بانکی در فعالیت‌های سوداگرانه قفل می‌شود، همین امر موجب شده است نظام بانکی خصوصی ما به‌جای تسهیل توسعه، به مانعی برای تولید و عدالت مالی تبدیل شود.

■ هدایت منابع بانکی به‌سمت بخش‌های هدفمند اقتصادی، آیا با اصل آزادی بازار و عدم مداخله دولت در تعارض نیست؟

قنبری: در واقع نمی‌توان به یک نهاد خصوصی که منابع مالی خود را از سپرده‌گذاران یا سرمایه‌گذاران خصوصی جذب کرده است، تکلیف کرد که حتماً باید منابعش را در حوزه‌ای خاص و کم‌بازده به‌کار گیرد. تا زمانی که منابع بانکی از محل بودجه عمومی یا منابع حاکمیتی تأمین نشده باشد، دولت نمی‌تواند برای محل مصرف آن تعیین تکلیف کند. بانک‌های خصوصی، همانند سایر بنگاه‌های اقتصادی، به‌دنبال کسب بیشترین بازدهی از منابع خود هستند و طبیعتاً سرمایه را به‌سمتی هدایت می‌کنند که سودآوری بیشتری داشته باشد، البته بانک مرکزی برای حفظ تعادل اجتماعی، مقرراتی را در قالب تسهیلات قرض‌الحسنه برای ازدواج، فرزندآوری یا نیازهای ضروری خانوار تعیین کرده است که بانک‌ها ملزم به رعایت حداقل‌هایی در این حوزه هستند، اما این الزامات بخش اندکی از منابع را شامل می‌شود و بانک‌ها همچنان در استفاده از عمده منابع خود آزادی عمل دارند تا آن را به‌سمت فعالیت‌هایی که بازدهی بیشتری دارند، هدایت کنند.

گزارش

قطار ایران بر ریل امید

سال ۱۴۰۴ برای صنعت ریلی ایران، سالی بود میان «تلاش و تحول». در میانه‌ی نوسانات اقتصادی، محدودیت‌های مالی و تغییرات منطقه‌ای، ریل ایران مسیر خود را آرام اما پیوسته ادامه داد؛ مسیری که نشانه‌های امید در آن بیش از هر زمان دیگری آشکار شد. از ابتدای سال، راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران هدف‌گذاری بزرگی را اعلام کرد: حمل ۵۴ میلیون تن بار تا پایان سال. عددی که در نگاه نخست، تنها یک هدف کمی به‌نظر می‌رسید، اما در واقع معنایی فراتر داشت؛ تلاشی برای بازگرداندن نقش ریل در معادلات ملی حمل‌ونقل و تأکیدی بر توسعه‌ی پایدار. این هدف، به‌ویژه در شرایطی که کشور با فشارهای اقتصادی و تحریم‌های خارجی روبه‌رو بود، نشانه‌ای از اراده و ثبات در مدیریت ملی حمل‌ونقل محسوب می‌شد.

■ ترانزیت ریلی ایران در آستانه جهش

محمدجواد شاهجویی، کارشناس صنعت ریلی با اشاره به پروژه‌های مهم ریلی در کشور اظهار کرد: دو پروژه مهم که می‌شود از آن نام برد خط پروژه راه‌آهن چابهار - زاهدان است که وزیر راه و شهرسازی وعده داده‌اند تا پایان سال جاری به بهره‌برداری برسد و در این پروژه، بخش چابهار تا نیکشهر تکمیل شده و آماده بهره‌برداری است و بخش نیکشهر تا زاهدان نیز بیش از ۸۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد و پروژه دوم، راه‌آهن شادمهر - سالار است که به تازگی توسط راه‌آهن به بهره‌برداری رسیده و از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. این پروژه در منطقه مثلث تربت حیدریه قرار دارد و در حقیقت یک مسیر میان‌بُر برای جابه‌جایی بارهای معدنی ریلی ایجاد کرده است. این مسیر افزون بر کوتاه‌کردن زمان حمل‌ونقل، ظرفیت شبکه ریلی کشور را به‌طور قابل توجهی افزایش خواهد داد و خوشبختانه امسال به بهره‌برداری رسیده است.
وی افزود: در خصوص ترانزیت ریلی نیز، با توجه به شرایط سال جاری، پیش‌بینی می‌شد که به دلیل کاهش حجم جابه‌جایی گوگرد، میزان ترانزیت ریلی کاهش پیدا کند با این حال، به‌واسطه توافقات خوبی که مدیرعامل راه‌آهن با کشورهای همسایه داشته، هدف‌گذاری مناسبی صورت گرفته است و بر این اساس، برای حمل بار بین‌الملل (صادراتی و وارداتی) عددی معادل ۸ میلیون تن و برای ترانزیت ریلی نیز عدد ۵ میلیون تن تعیین شده است و اگر این اهداف محقق شود، در سال جاری شاهد جهشی چشمگیر در عملکرد ریلی کشور خواهیم بود، با این وجود، سال گذشته میزان عملکرد ترانزیت ریلی حدود ۲ میلیون تن اعلام شده بود و اگرچه در سال جاری حجم گوگرد کاهش پیدا کرد، اما امید می‌رود با اتکا به توافقات اخیر، عملکردی به مراتب بهتر از سال گذشته رقم بخورد.
کارشناس صنعت ریلی با اشاره به طول خطوط ریلی کشور تصریح کرد: اکنون مسئله اصلی ما افزایش طول خطوط نیست و شبکه ریلی کشور حدود ۱۵ هزار کیلومتر خط اصلی دارد که نزدیک به یک سوم آن بلااستفاده مانده است و در واقع بهره‌برداری مؤثر از حدود ۱۰ هزار کیلومتر آن انجام می‌شود بنابراین، آنچه برای ما اهمیت دارد، نه افزایش صرف طول خطوط، بلکه تکمیل و توسعه پروژه‌های کلیدی است؛ پروژه‌هایی همچون راه‌آهن چابهار - زاهدان، دوخطه‌کردن مسیر رشت - قزوین، و نیز بافت - سیرجان - سرخس که هر چه سریع‌تر باید تکمیل شوند.
شاهجویی تاکید کرد: چالش اصلی توسعه شبکه ریلی بیش از آنکه فنی باشد، مالی است و دولت باید به‌طور جدی به سمت استفاده از مدل‌های نوین تأمین مالی حرکت کند، همچنین، مسائل و چالش‌های متعددی در حوزه ناوگان ریلی و مشارکت بخش خصوصی وجود دارد و آنچه در حال حاضر دولت (به معنای راه‌آهن) به‌طور جدی پیگیری می‌کند، موضوع قطار کامل است که در برنامه هفتم توسعه کشور نیز بر آن تأکید شده است و اجرای این طرح، در صورت تحقق، علاوه بر افزایش جذابیت سرمایه‌گذاری برای بخش خصوصی، سودآوری بخش غیردولتی را نیز ارتقا خواهد داد و به نوسازی ناوگان ریلی کشور کمک شایانی خواهد کرد.
وی ادامه داد: در دوره مدیریت جدید راه‌آهن، توافقات ارزشمندی با کشورهای همسایه به انجام رسیده است و سفرهای متعدد مدیرعامل راه‌آهن به کشورهای آسیای میانه و انعقاد تفاهم‌نامه‌های همکاری، اقدامی ستودنی است و می‌توان انتظار داشت که نتایج این تلاش‌ها سال جاری در عملکرد حمل بار بین‌المللی راه‌آهن کشور مشاهده شود.
کارشناس صنعت ریلی با اشاره به برنامه هفتم خاطرنشان کرد: درباره برنامه هفتم توسعه باید گفت که تحقق اهداف آن در بخش ریلی هنوز با فاصله زیادی همراه است و بر اساس این برنامه، مقرر شده است که ۳۰ درصد حمل بار و ۲۰ درصد حمل مسافر از طریق ریل انجام شود، با این حال، در شرایط کنونی و حتی در صورت تحقق هدف‌گذاری ۵۴ میلیون تُنی شرکت راه‌آهن در سال جاری، سهم حمل‌ونقل ریلی از کل بار کشور به بیش از ۱۰ تا ۱۲ درصد نخواهد رسید و این نشان‌دهنده فاصله‌ای معنادار با اهداف برنامه است و البته این امر به معنای غیرقابل دستیابی بودن اهداف برنامه هفتم نیست، اما با توجه به وضعیت موجود، به‌ویژه اجرایی نشدن کامل طرح (قطار کامل)، شاید هنوز برای قضاوت قطعی درباره تحقق اهداف، زود باشد.

گزارش

بسته‌های سلامت روان؛ فرصتی که هنوز اجرایی نشده است

رئیس دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران گفت: بسته‌های سلامت روان به‌عنوان یکی از راهکارهای کلیدی برای بهبود وضعیت روانی جامعه در نظر گرفته شده‌اند. رضا پورحسین در رابطه با وضعیت بسته‌های سلامت توضیحاتی داد و گفت: بسته‌های سلامت روان به‌عنوان یکی از راهکارهای کلیدی برای بهبود وضعیت روانی جامعه در نظر گرفته شده‌اند، ابلاغ و توزیع این بسته‌ها در میان دانشجویان و عموم مردم همچنان با چالش‌هایی مواجه است. این بسته‌ها پس از یک سال از تصویب، هنوز به مرحله اجرایی نرسیده‌اند، اگرچه دستور ابلاغ آن‌ها صادر شده است. وی ادامه داد: این بسته‌ها که بر اساس فرهنگ بومی کشور طراحی شده‌اند، قرار است به ارتقا سلامت روان و کاهش مشکلات روانی جامعه کمک کنند. در این راستا، بسته‌های سلامت باید با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی ایران تدوین شوند تا اثربخشی بهتری در کاهش مشکلات روانی و اجتماعی داشته باشند. پورحسین افزود: یکی از چالش‌های اصلی در مسیر ابلاغ این بسته‌ها، نیاز به تجدید نظر و اصلاحات در برخی جزئیات است که باعث تأخیر در اجرای آن‌ها شده است؛ حتی اگر بسته‌ها دچار نقص‌هایی باشند، باید این نقایص برطرف و فرآیند ابلاغ تسریع شود تا از بایگانی شدن آن‌ها جلوگیری شود. رئیس دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران در خصوص وضعیت بهداشت روان دانشجویان متذکر شد: وضعیت عمومی جامعه تأثیر مستقیمی بر وضعیت روانی دانشجویان دارد. با وجود اینکه وضعیت نامطلوب بهداشت روان در برخی اقشار جامعه وجود دارد، اما این وضعیت در میان دانشجویان نیز وجود دارد. بسیاری از کارشناسان تأکید دارند که روند افزایشی مشکلات روانی در این گروه نگران‌کننده است. وی اذعان کرد: در این شرایط، تأکید بر پیشگیری و رصد وضعیت سلامت روان دانشجویان به‌عنوان یک اولویت ضروری مطرح است. دانشگاه‌ها باید با نهادهای بیرونی همکاری داشته باشند و از ایجاد آسیب‌های روانی پیشگیری کنند. پیشگیری از مشکلات روانی باید در خارج از محیط دانشگاه نیز دنبال شود تا آسیب‌ها به محیط آموزشی و اجتماعی دانشجویان نرسد. پورحسین اظهار داشت: مسئله کاهش افکار خودکشی و مشکلات روانی دیگر نیز یکی از چالش‌های جدی در کشور است. در دیدار اخیر با معاون بهداشت وزارت بهداشت، نقش روانشناسان و نظام روانشناسی در کاهش این مشکلات مورد بحث قرار گرفت. وی تصریح کرد: این نهادها مسئولیت سنگینی در کاهش افکار خودکشی و سایر مسائل روانی دارند، اما اطلاعات دقیقی از عملکرد آن‌ها و اثربخشی اقدامات در دسترس نیست. برای کاهش مشکلات روانی، همکاری گسترده‌تری بین دانشگاه‌ها، نهادهای دولتی و سازمان‌های تخصصی روانشناسی برقرار شود تا بتوان مشکلات موجود را به‌طور مؤثرتر مدیریت کرد. رئیس دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران خاطر نشان کرد: برای ابلاغ بسته‌های سلامت روان و نیاز به اصلاحات در جزئیات آن‌ها، این موضوع باید هرچه سریع‌تر به مرحله اجرا برسد تا از ایجاد آسیب‌های اجتماعی و روانی بیشتر جلوگیری شود. همچنین، توجه به پیشگیری و افزایش همکاری میان نهادهای مختلف، به‌ویژه در حوزه سلامت روان دانشجویان، به‌عنوان یک اولویت باید در دستور کار قرار گیرد تا جامعه‌ای سالم‌تر و مقاوم‌تر در برابر مشکلات روانی و اجتماعی داشته باشیم.

تک خبر

سامانه ارائه خدمات اشتغال در سازمان بهزیستی راه‌اندازی شد

رئیس مرکز توسعه کارآفرینی، اشتغال و توانمندسازی سازمان بهزیستی گفت: سامانه ارائه خدمات اشتغال در سازمان بهزیستی با هدف توانمندسازی و ایجاد عدالت اجتماعی راه‌اندازی شد. آرزو ذکایی‌فر رئیس مرکز توسعه کارآفرینی، اشتغال و توانمندسازی سازمان بهزیستی کشور درباره فعالیت سامانه ارائه خدمات اشتغال بهزیستی اظهار داشت: با توجه به مأموریت سازمان بهزیستی در توانمندسازی اقشار آسیب‌پذیر، راه‌اندازی و بهره‌برداری از سامانه اشتغال مددجویان گامی اساسی در جهت ایجاد شفافیت، عدالت اجتماعی و دسترسی برابر به فرصت‌های شغلی محسوب می‌شود. این سامانه، ضمن ایجاد بانک اطلاعاتی جامع از توانمندی‌ها و مهارت‌های مددجویان، زمینه هم‌افزایی میان دستگاه‌های اجرایی و کارفرمایان را فراهم می‌کند و باعث ارتقای بهره‌وری، کاهش وابستگی و دستیابی مددجویان به استقلال اقتصادی می‌شود. بی‌شک توسعه و تقویت این سامانه نقش مهمی در تحقق سیاست‌های کلان اشتغال و فقرزدایی خواهد داشت. وی افزود: سامانه ارائه خدمات اشتغال شامل دو بخش اصلی است: بخش اول، ارزیابی که در این بخش، مددکاران اطلاعات هویتی، وضعیت شغلی و سایر داده‌های مرتبط را برای تعیین مسیر شغلی افراد جویای کار ثبت می‌کنند و بخش دوم، دریافت خدمات اشتغال که این بخش مراحل ارائه خدمات از تقاضا تا ثبت خدمات را در بر می‌گیرد که توسط کارشناسان اشتغال انجام می‌شود. رئیس مرکز توسعه کارآفرینی، اشتغال و توانمندسازی سازمان بهزیستی کشور متذکر شد: فاز اول سامانه طراحی و پیاده‌سازی شده و آموزش مددکاران و کارشناسان استان‌ها نیز انجام شده است.

خبر ویژه

معاون قوه قضاییه:

قوه قضاییه در توسعه عدالت استفاده از فناوری را در دستورکار قرار داده است

معاون امور اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه گفت: قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران اقدامات نوینی در استفاده از فناوری‌های به روز و هوش مصنوعی در دستور کار قرار داده است که می‌توانند در تحقق و توسعه عدالت نقش قابل قبولی را داشته باشد. اصغر جهانگیر در نشستی افزود: نظام جمهوری اسلامی ایران با شعار آزادی ملت و استقلال سیاسی حکومت مبتنی برا اصول عدالت و حقیقت تاسیس شده و به موجب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همه ایران اعم از زن و مرد با هر دین، مذهب و قومیتی در برابر قانون به صورت یکسان از حقوق برابر برخوردارند. وی افزود: از گذشته تاکنون رابطه بسیار قوی و خوبی بین مسلمانان و جامعه ارمنی زبان ایران داشته‌ایم و این مسئله را در دین و کتاب آسمانی خود داریم که از روحانیون مسیحی به عنوان قدیسین یاد می‌کند. معاون پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه در بخشی دیگر از سخنان خود با اشاره به اینکه برای تحقق عدالت لازم است از ظرفیت‌های حقوقی و بین‌المللی استفاده شود، گفت: همانطور که نقش قانون و نقش قاضی در تحقق عدالت مهم است نقش وکیل نیز در تحقق عدالت بسیار با اهمیت است.

آزمونی که فرسوده می‌کند اما نمی‌سنجد

کنکور ماراتن بی پایان

چند روز پیش، ابوالفضل واحدی، معاون آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در گفت‌وگویی اعلام کرد «تا زمانی که راهکار مناسبی برای سنجش داوطلبان در صندلی‌های پرتقاضا نداشته باشیم، کنکور حذف نخواهد شد». او با اشاره به اینکه حذف کامل کنکور مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی است، گفت فعلا امکان اجرای آن وجود ندارد، زیرا هیچ نظام جایگزینی که عدالت آموزشی را تضمین کند، طراحی نشده است. واحدی تاکید کرده بیش از ۸۵ درصد صندلی‌های دانشگاه‌ها بدون آزمون و بر اساس سوابق تحصیلی پر می‌شوند، اما در برخی رشته‌ها مانند پزشکی، دندان‌پزشکی و مهندسی‌های برتر، همچنان رقابت شدیدی وجود دارد. این صحبت‌ها بار دیگر بحث کهنه حذف یا اصلاح کنکور را زنده کرد؛ موضوعی که هر سال میلیون‌ها دانش‌آموز و خانواده را درگیر اضطراب، نگرانی و رقابت فرساینده می‌کند. کنکور در ایران نه تنها به یک سازوکار آموزشی، بلکه به پدیده‌ای فرهنگی، اقتصادی و روانی تبدیل شده است. تقریباً هیچ خانواده‌ای نیست که در دوره‌ای از زندگی خود با استرس این آزمون روبه‌رو نشده باشد. فشار روانی، اضطراب مداوم، بی‌خوابی و نگرانی از آینده در ماه‌های منتهی به کنکور به اوج می‌رسد و بسیاری از دانش‌آموزان را از نظر روحی و جسمی فرسوده می‌کند. اما مسئله فقط فشار روانی نیست. بسیاری از کارشناسان معتقدند کنکور در سنجش واقعی توانایی‌های علمی و فکری دانش‌آموزان نیز ناکارآمد است. در یک جلسه چندساعته، نمی‌توان دانش، مهارت و درک دوازده ساله دانش‌آموز را سنجید. نتیجه این می‌شود که دانش‌آموزانی که مهارت «تست‌زنی» دارند، در رقابت جلو می‌افتند و کسانی که توانایی تحلیل، تحقیق و تفکر عمیق دارند اما از روش‌های تستی دورند، حذف می‌شوند. در واقع، کنکور نه تنها سنجش واقعی نیست بلکه بخش مهمی از استعدادهای خلاق و مستعد کشور را از مسیر علمی خارج می‌کند. بسیاری از این دانش‌آموزان فقط به این دلیل که در آزمون چندساعته موفق نبوده‌اند، از گردونه یادگیری و پیشرفت علمی کنار گذاشته می‌شوند.

■ کنکور ناکارآمد است و درگیر تعارض منافع

محمدرضا نیک‌نژاد، معلم و فعال صنفی، درباره وضعیت کنکور گفت: «هیچ‌کس تردیدی ندارد که کنکور از دو جنبه اساسی دچار مشکل است. نخست از این جهت که آسیب‌زاست و در درازمدت به روحیه و شرایط ذهنی و حتی جسمی دانش‌آموزان لطمه می‌زند و دوم اینکه کنکور ابزار سنجشی ناکارآمد است. شما نمی‌توانید در یک نشست چندساعته، دانش و مهارت دوازده سال تحصیلی را بسنجید. این با عقل و با استانداردهای جهانی هم‌خوانی ندارد.» او افزود: «اینکه می‌گویند راهی جز برگزاری کنکور نداریم، اشتباه است. ما وظیفه داریم به عنوان کارشناسان و مسئولان، دنبال راه‌های تازه باشیم. در این رابطه تجربه‌های جهانی متنوعی وجود دارد. در بسیاری از کشورها نظام‌های ترکیبی از امتحانات جامع، ارزیابی‌های مهارتی و مصاحبه‌های تخصصی اجرا می‌شود. می‌توانیم از آنها الگو بگیریم، نه اینکه فقط از سختی کار حرف بزنیم.» نیک‌نژاد در ادامه به ساختارهای پنهان در اقتصاد کنکور اشاره کرد و گفت: «کنکور امروز فقط یک آزمون نیست، بلکه یک صنعت است. گردش مالی عظیمی در موسسات آموزشی، کلاس‌های کنکور، کتاب‌های کمک‌درسی و آزمون‌های آزمایشی وجود دارد. این ساختار مالی تا حدی با بدنه تصمیم‌گیری آموزشی گره خورده و همین موضوع باعث تعارض منافع شده است. خیلی از افرادی که در شورای عالی انقلاب فرهنگی یا در بدنه وزارتخانه‌ها درباره آموزش تصمیم می‌گیرند، خودشان به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با موسسات آموزشی در ارتباط هستند. در نتیجه طبیعی است که مقاومت در برابر تغییر بالا باشد.» او در بخش دیگری از صحبت‌هایش تاکید کرد: «نمی‌توان از کنار این واقعیت گذشت که مافیاهای کنکور نفوذ زیادی دارند. از ابتدای طرح حذف کنکور تا امروز، یعنی در حدود بیست سال گذشته، هیچ تغییر اساسی رخ نداده است. نه تنها اصلاحی نشده، بلکه پیچیده‌تر و پرهزینه‌تر هم شده. نتیجه این است که دانش‌آموزان ما درگیر عذابی ذهنی و درونی‌اند که سال‌ها ادامه دارد.» کنکور در ایران نه تنها به یک سازوکار آموزشی، بلکه به پدیده‌ای فرهنگی، اقتصادی و روانی تبدیل شده است. تقریباً هیچ خانواده‌ای نیست که در دوره‌ای از زندگی خود با استرس این آزمون روبه‌رو نشده باشد.

از شور درس خواندن تا خستگی دانشگاه

یکی از تناقض‌های بزرگ نظام آموزشی ایران در همین نقطه شکل می‌گیرد. دانش‌آموز پیش از کنکور با تمام توان و انگیزه درس می‌خواند، اما وقتی وارد دانشگاه می‌شود، اشتیاق یادگیری در او فروکش می‌کند. بسیاری از دانشجویان، پس از عبور از سد کنکور، دیگر نیازی به مطالعه عمیق نمی‌بینند و تنها برای پاس کردن واحدها درس می‌خوانند. از سوی دیگر، درس خواندن در دانشگاه نیازمند روش و ذهنیتی متفاوت است؛ پژوهش، تحلیل، پروژه‌محوری و یادگیری عملی جای تست‌زنی و حفظیات را می‌گیرد. اما دانش‌آموزی که سال‌ها در چارچوب تست و نکته رشد کرده، در دانشگاه توان سازگاری با یادگیری عمیق را ندارد. خستگی روحی، فرسودگی از رقابت و حتی بی‌علاقگی به رشته تحصیلی از جمله دلایل افت عملکرد تحصیلی در سال‌های دانشگاهی است. در نظام آموزشی که کنکور ملاک سنجش قرار می‌گیرد، جهت دهی در نگارش کتاب‌ها هم به گونه ای است که در جهت کسب نمره مطلوب در کنکور باشد. در چنین شرایطی تمام زندگی دانش‌آموز در چهارگزینه خلاصه می‌شود و یادگیری اصلا محل بحث نیست که این موضوع گرفتاری بزرگ و خطرناکی برای نظام آموزشی ایران محسوب می‌شود. کنکور و یادگیری حافظه محور باعث می‌شود که دانش‌آموز در دانشگاه با نگارش موضوعات ساده و حتی بیان برخی مطالب با مشکل روبه رو شود، چراکه تیک زدن به نوشتن، بیان و فهمیدن موضوعات نیازی ندارد.

■ مانعی که اصلاحش سخت اما ضروری است

با وجود تمام نقدها، مسئولان آموزش عالی فعلا تصمیمی برای حذف کامل کنکور ندارند. ابوالفضل واحدی گفته است «تا زمانی که جایگزین مطمئنی وجود نداشته باشد، کنکور برقرار خواهد ماند». اما در واقعیت، این به معنای ادامه یک نظام ناکارآمد است که هم از نظر روانی به نسل جوان آسیب می‌زند و هم از نظر علمی به عدالت آموزشی لطمه وارد می‌کند. کنکور، همان‌طور که نیک‌نژاد هم می‌گوید، فقط یک آزمون نیست؛ بازاری با منافع اقتصادی، فرهنگی و سیاسی گسترده است. اصلاح آن، نه تنها نیاز به تصمیم کارشناسی، بلکه به اراده‌ای واقعی برای مقابله با تعارض منافع دارد. با این حال، آنچه امروز بیش از هر چیز نیازمند توجه است، بازنگری در هدف آموزش است. تا زمانی که دانش‌آموز برای تست‌زنی و حفظ فرمول‌ها درس می‌خواند و نه برای درک، پژوهش و حل مسئله، حذف کنکور به‌تنهایی هیچ معجزه‌ای نخواهد کرد.

کاریکاتور

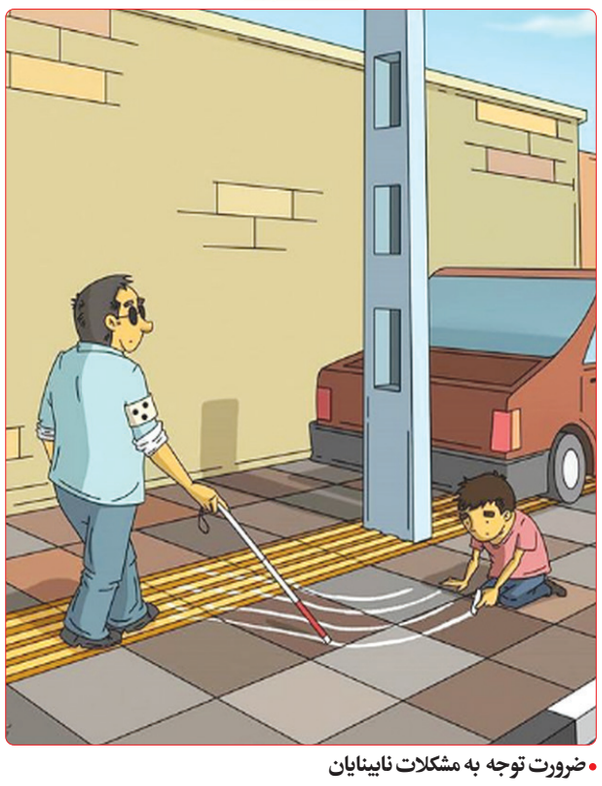

● ضرورت توجه به مشکلات نابینایان

مدیرکل درمان ستاد مبارزه با مواد مخدر بیان کرد:

ردپای سریال‌های نمایش خانگی در اعتیاد نوجوانان

مدیرکل درمان ستاد مبارزه با مواد مخدر ضمن هشدار نسبت به تأثیر مخرب بازنمایی سیگار و مواد مخدر در تولیدات نمایشی، تأکید کرد: وقتی در برخی سریال‌ها و فیلم‌های نمایش خانگی، مصرف مواد و سیگار بدون قبح نمایش داده می‌شود، این پیام به نوجوانان منتقل می‌شود که این رفتارها عادی یا حتی جذاب است. سلیمان عباسی با اشاره به «برجسته شدن» مصرف سیگار و مواد مخدر در برخی از فیلم‌های نمایش خانگی و تاثیر آن بر الگوبرداری جوانان و نوجوانان از این نقش‌ها، اظهار کرد: در برخی از تولیدات نمایشی، مصرف مواد و مشروبات الکلی به‌صورت مستقیم و بی‌پرده نمایش داده می‌شود. این موضوع می‌تواند الگویی نامناسب برای جوانان و نوجوانانی باشد که در سن الگوبرداری قرار دارند. وی ادامه داد: در حال حاضر حدود یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر در کشور، مواد را به شکل تفریحی مصرف می‌کنند. این آمار نگران‌کننده است و نشان می‌دهد که مسئله اعتیاد دیگر محدود به مصرف‌کنندگان مزمن نیست؛ بلکه متاسفانه در میان جوانان با ظاهری عادی و زندگی روزمره نیز در حال گسترش است. عباسی با تاکید بر اینکه گاهی یک سیگار، می‌تواند دریچه ورود افراد به دنیای اعتیاد باشد، افزود: به همین دلیل رسانه‌ها، به‌ویژه صداوسیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نقش تعیین‌کننده‌ای در فرهنگ‌سازی برای پیشگیری از اعتیاد دارند. وی با اشاره به الگوهای رفتاری در رسانه گفت: نمایش صحنه‌هایی مثل سیگار کشیدن بازیگران، بدون اینکه قبح اجتماعی آن نشان داده شود، نه‌تنها کمکی به آگاه‌سازی نمی‌کند، بلکه در برخی موارد باعث ترویج این رفتارها می‌شود. بنابراین تولیدکنندگان باید توجه بیشتری به پیام‌های پنهان آثار خود داشته باشند. مدیرکل درمان ستاد مبارزه با مواد مخدر همچنین در خصوص نقش نهادهای نظارتی در حوزه فرهنگ و رسانه گفت: نظارت مستقیم بر تولیدات فرهنگی بر عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و صداوسیماست، اما ستاد مبارزه با مواد مخدر نیز طبق وظایف قانونی خود با این نهادها همکاری می‌کند. هدف ما کمک به کاهش آسیب‌های اجتماعی و حفظ سلامت جامعه، به‌ویژه نسل جوان است.

گزارش

زبان موجود زنده‌ای است که تغییر می‌کند

پذیرش واژه‌های جدید در زبان فارسی و مشکلات شکاف نسلی

صبا صارمی/ گروه جامعه

شاید برخی عبارت‌های انگلیسی عمومی‌تر و قابل فهم‌تر باشند، مثل ریشه کردن واژه مرسی در فرهنگ و زبان فارسی که حتی بچه‌های کوچک و سالمندان هم نه تنها معنی آن را می‌دانند بلکه از آن استفاده می‌کنند و دیگر کاملا شناخته شده است. اما برخی اصطلاحات و عبارت‌هایی که این روزها جوانان و نوجوانان استفاده می‌کنند، کمی فراتر از یک تغییر شکل ساده است. واژه‌ها و عبارت‌هایی که از زبان دیگر وارد شده‌اند و هر روز بیش از پیش در زبان فارسی جا باز می‌کنند. تغییری که گروهی خواستار و مشتاق آن هستند و گروهی دیگر نگران آسیب دیدن زبان فارسی و خدشه‌دار شدن ارتباطات میان افراد در جامعه. قادر رزم جو، زبان شناس و استاد دانشگاه، گفت: در ارتباط با دنیا ما هم تاثیر می‌گذاریم و هم تاثیر می‌پذیریم. بسیاری از افراد هستند که می‌گویند اگر مراقب زبان نباشیم رو به فساد و به اصطلاح از بین می‌رود. مثل تعیین جایگزین، دقیقا همان کاری که در فرهنگستان با واژه‌ها می‌کنند، اما چون خیلی با علم روز زبانشناسی آشنایی ندارند متاسفانه بعد از مرگ سهراب وارد عمل می‌شوند. وی افزود: ما باید قبل از اینکه آن واژه و اصطلاح وارد شود راهی پیدا کنیم و مطابق علایق مردم آن را وارد زبان کنیم. ضمن اینکه مواردی هم هست که ضعف در کار است؛ مثلاً به جای ایمیل که خودش یک اصطلاح انگلیسی است پست الکترونیکی پیشنهاد شده است. خود پست الکترونیک هم انگلیسی است و ما در واقع یک واژه را برداشتیم و دو واژه دیگر به جایش گذاشتیم. وی با اشاره به اصطلاح اقتصادی شدن می‌گوید: یکی از ضرورت و اجباری که بر حسب جهان شدگی و ارتباطات گسترده وجود دارد و قابل انکار نیست، حرکت زبان به سمت اقتصادی شدن است. یعنی اگر قرار است در زبان تغییراتی اتفاق بیفتد سعی بر کوتاه شدن و اقتصادی عمل کردن است. وی افزود: اگر در فارسی کهن می‌گفتند همی‌روم، همی حذف می‌شود و از می‌روم هم در عامیانه به می‌رم رسیده‌ایم. در هر سه مرحله جزئی از این واژه و تاکید حذف شده است. این یعنی رو به کوتاهی بودن و اقتصادی عمل کردن. وی معتقد است: بر اساس یکی از قواعد رایج در علم زبان شناسی، زبان قراردادی است و ما اصلاً نباید نگران این مورد باشیم که اگر واژه‌های جدید وارد شود از فارسی چیزی نمی‌ماند. کل زبان و معانی قرارداد است و اگر قرار باشد به جای کل جمله ما از واژه‌ای استفاده کنیم که از زبان دیگری وام گرفته‌ایم، ایرادی ندارد. رزم جو در خصوص تهدید و تکامل زبان اظهار کرد: زبان فارسی نمونه خیلی جالبی است. زبان و فرهنگ فارسی در طول تاریخ مورد تاخت و تاز خیلی از اقوام قرار گرفت که سعی می‌کردند زبان و فرهنگ خودشان را چیره کنند ولی فارسی همچنان وجود دارد. درواقع زبان خودگردان است و اگر عبارت‌های جدیدی وارد شود، خود زبان آن را در خودش تغییر شکل می‌دهد. وی با اشاره به تکامل زبان افزود: هر واژه و عبارتی که از زبان دیگری وارد زبان فارسی شود، شناسنامه فارسی می‌گیرد و زبان این قدرت را دارد که آن واژه‌ها و مفاهیم را در خودش حل کند. به همین دلیل اصلاً نباید نگران باشیم و این نشانه تکامل زبان است نه تهدیدی برای آن. این زبانشناس ضمن تاکید بر اهمیت حفظ تعادل در استفاده از این عبارات افزود: همانطور که اشاره کردم برخی افراد می‌ترسند تغییر زبان آن را فاسد کند و می‌خواهند همه چیز را به شکل قدیمی نگه دارند، اما زبان یک موجود زنده است و موجود زنده تغییر می‌کند. تغییر بخشی از ذات زبان است و باید تغییر در زبان را بپذیریم. رزم جو در خصوص افراط در زبان می‌گوید: گروه دومی هم وجود دارد که مقداری اهل افراط ند و ما به اصطلاح می‌گوییم این افراد از لحاظ فرهنگی دچار همگون شدگی هستند یعنی کسی که تمام حالات، گفتار و اندیشه هایش تبدیل شده به چیزی شبیه غرب. آگاهی دادن به این افراد کمک می‌کند. وی خاطر نشان کرد: مواردی که عرض کردم خطری برای زبان ایجاد نمی‌کند، اما افراد افراطی را هم باید آگاه کنیم که مسئله را سفت و سخت نگیرند؛ چون این تغییر کردن، ذات زبان است. مهرداد ناظری، جامعه شناس، ضمن بیان اینکه مبادله واژه‌های مختلف در زبان‌ها همیشه وجود داشته است گفت: در دوره ماقبل مدرن تعامل زبان‌ها بیشتر مبتنی بر تعامل، همنشینی و دریافت از یکدیگر بوده و به فهم بیشتر کمک می‌کرده است.

سخنگوی صنف جایگاه‌داران:

ارسال گازوئیل به جایگاه‌ها مانند بنزین نامحدود نیست

سخنگوی صنف جایگاه‌داران با اشاره به کمبود گازوئیل در برخی جایگاه‌ها گفت: ریشه نارضایتی‌ها در روش‌های سلبی و توزیع ناعادلانه سوخت است، نه عملکرد جایگاه‌ها. رضا نواز در رابطه با عدم سوخت کافی در برخی از جایگاه‌ها گفت: احتمال دارد در یک استان یا جایگاهی گازوئیل در تمام ساعات شبانه روز توسط جایگاه توزیع شود چراکه میزان مراجعات زیاد نیست و صفی وجود ندارد و برعکس به دلیل درخواست سوختگیری گازوئیل در برخی جایگاه‌های موجود در مکان‌های پرتردد و صف‌های طولانی ممکن است مشکلاتی به وجود بیاید. جایگاه‌های سوخت به عنوان بخش مهمی از زنجیره توزیع و در جهت پاسخگویی به مراجعان و درآمد زایی پیوسته آمادگی توزیع گازوئیل را به صورت نامحدود دارند ولی در این حوزه زیانده هستند چراکه در مقایسه با توزیع بنزین هزینه‌های بیشتر و حق العمل کمتر دریافت می‌کنند، برخی مصوبات ستاد قاچاق کالا و سایر دستگاه‌ها هم موجب می‌شود ارسال گازوئیل به جایگاه‌ها بر اساس سهمیه استان و شهرستان تعریف شود و در برخی جایگاه‌ها، مراجعه کنندگان نتوانند شبانه روزی این فراورده را دریافت کنند که قطعاً مقصر این شرایط جایگاه‌ها نیستند ولی چون مردم کارکنان جایگاه‌ها را می‌بینند و دسترسی به مسئولان ندارند از ایشان انتظار پاسخگویی دارند. نواز ادامه داد: عامل اصلی این مشکلات و نارضایتی‌ها و حتی ایجاد بازار سیاه، استفاده از روش‌های سلبی و عدم ساماندهی امور بر اساس پیمایش و عملکرد است که عدم اجرای سامانه سپهتن و سیپاد باعث شده این هدف محقق نشود و تبعیض در توزیع سهمیه‌ها، بارنامه‌های صوری، ایجاد دلالی کارت سوخت و.... را شاهد باشیم.

خبر ویژه

«اسکناس» تصمیم نهایی دولت درباره بنزین را بررسی کرد

افزایش قیمت گام آخر دولت

هیات وزیران اخیرا به پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه، برنامه جامع تأمین و تخصیص حاملهای انرژی شبکه حمل و نقل کشور را تصویب کرده است. این برنامه در راستای اجرای بند (ب) ماده ۴۶ قانون برنامه هفتم پیشرفت مصوب شده که دولت را مکلف به رفع ناترازی بنزین کرده است. دولت در این مصوبه، اصلاح یارانه بنزین را نه مثل آبان ۹۸ (افزایش شوک‌آور قیمت) بلکه مشروط به اجرایی شدن مجموعه‌ای از سیاست‌های عمدتا غیرقیمتی کرده است. دولت در این برنامه جامع، چندین راهبرد یا سیاست برای رفع ناترازی بنزین تصویب کرده که فقط یکی از آنها اصلاح تدریجی قیمت است و مابقی موارد، سیاست‌های غیرقیمتی است. دولت مسعود پزشکیان چاره‌ای جز اصلاح قیمت تدریجی ندارد چراکه پرداخت یارانه سوخت با قیمت تثبیت شده وابستگی ایران به واردات بنزین را به اوج رسانده است. اما سوال اینجاست که چگونه می‌شود هم دولت دنبال افزایش قیمت بنزین نباشد هم بتواند جلوی تشدید کسری بنزین را بگیرد اما فشاری به مردم وارد نشود؟ متنوع کردن سبد سوخت حمل و نقل، تولید و واردات خودروهای سنگین، نیمه سنگین، سبک و موتورسیکلت‌های کم مصرف و برقی، نوسازی ناوگان حمل و نقل جاده‌ای با خارج کردن خودروهای فرسوده و بنزین خوار، کاهش آلودگی هوا با توزیع سوخت استاندارد و البته اصلاح تدریجی قیمت حامل‌های انرژی از جمله محورهای یک برنامه جامع تامین و تخصیص حامل‌های انرژی در شبکه حمل و نقل کشور است. گام آخر دولت اصلاح قیمت سوخت بنزین و گازوییل خواهد بود و این قیمت هر سال به میزان نرخ تورم اعلام شده توسط مرکز آمار ایران افزایش می‌یابد. اما قبل از برداشتن گام آخر و افزایش قیمت همپای تورم، دولت باید ۷ گام بزرگ بردارد.

■ **گام اول: سی ان جی به جای بنزین**

۱- افزایش تعداد خودروهای دوگانه‌سوز ۲- افزایش زیرساخت و جایگاه‌های سی ان جی ۳- اصلاح فاصله قیمت بین سی ان جی و بنزین

■ **گام دوم: اسقاط حداکثری وسایل نقلیه فرسوده**

۱- از رده خارج کردن وسایل نقلیه عمومی و موتورسیکلت‌های فرسوده ۲- محدودیت تردد وسایل نقلیه فرسوده در کلان شهرها ۳- کاهش سهمیه سوخت خودروهای فرسوده ۴- واردات خودرو به شرط استقاط خودروهای فرسوده ۵- تولید و جایگزینی خودروهای دوگانه‌سوز، هیبریدی و برقی

■ **گام سوم: توسعه حمل و نقل ریلی**

۱- گسترش حمل و نقل ریلی بار و مسافر ۲- توسعه مترو در تهران و ۸ کلانشهر دیگر ۳- نوسازی ناوگان حمل و نقل ریلی مسافری ۴- توسعه قطارهای حومه و ریل باس

■ **گام چهارم: سهمیه سوخت هدفمند به حمل و نقل عمومی**

۱- اختصاص بنزین و گازویل به حمل و نقل عمومی با سنجش عملکرد، معاینه فنی ۲- اصلاح روش تردد ناوگان حمل و نقل بار و مسافر ۳- کنترل رفت و آمد خودروهای بارسی با دوربین ۴- فروش سوخت یارانه‌ای به ناوگان به شکل اعتبار ریالی ۵- مدیریت جابجایی بار درون و برون شهری

■ **گام پنجم: تشویق استفاده از حمل و نقل با سوخت پاک**

۱- کاهش تعرفه واردات خودروهای هیبریدی، برقی و گازسوز ۲- وضع عوارض بر تولید و واردات خودروهای پرمصرف ۳- گرفتن عوارض بیشتر از تردد وسایل نقلیه پرمصرف و آلاینده ۴- اصلاح شکاف قیمت بنزین، برق و سی ان جی ۵- افزایش تعداد مصرف کنندگان سی ان جی به جای بنزین ۶- جلوگیری از شماره‌گذاری خودروهای غیراستاندارد ۷- کاهش سهمیه بنزین و گاوئیل خودروهای پرمصرف و آلاینده

■ **گام ششم: تغییر روش سهمیه سوخت خودروها و موتورسیکلت‌های شخصی**

۱- شناسنامه دار شدن سوخت‌گیری وسایل نقلیه شخصی ۲- تعیین سقف مشخص سهیمه سوخت خودروهای شخصی ۳- افزایش قیمت بنزین آزاد و بالاتر از سقف سهمیه

■ **گام هفتم: تغییر سبد خودروهای تولیدی و وارداتی**

۱- اجرای استاندارد ملی برچسب سوخت خودروها و موتورسیکلت‌ها ۲- حذف سهمیه سوخت وسایل نقلیه پرمصرف ۳- حذف سهمیه سوخت موتورسیکلت‌های کاربراتوری ۴- صدور مجوز واردات خودرو با گواهی اسقاط. طبق گفته‌های معاون ارتباطات و اطلاع رسانی دفتر رئیس جمهور، افزایش قیمت بنزین در سال ۱۴۰۴ اتفاق نمی‌افتد و به سال آینده موکول خواهد شد. محمدمهدی طباطبایی تأکید کرد که بنزین باید گران شود اما گفت این اتفاق زمانی می‌افتد که نظر مردم جلب شود. اما به گفته محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، اختیار تغییر قیمت بنزین در دست دولت است و در صورت لزوم، دولت می‌تواند بدون مصوبه مجلس نسبت به اصلاح نرخ اقدام کند. در ماه‌های گذشته، موضوع ناترازی بنزین یکی از دغدغه‌های اصلی دولت و مجلس بوده است. مسعود پزشکیان، رئیس جمهور، بارها بر ضرورت ساماندهی مصرف و بازنگری در یارانه سوخت تأکید کرده و گفته است حمایت‌های دولتی باید به گونه‌ای تنظیم شود که سهم بیشتری از یارانه سوخت به اقشار کم درآمد اختصاص یابد. قالیباف نیز در اظهاراتی جداگانه با اشاره به تفاوت چشمگیر میان هزینه واقعی تولید و قیمت فروش بنزین، بر ضرورت «اصلاح تدریجی و حساب شده» این نرخ تأکید کرده است. بر این اساس، به نظر می‌رسد دولت و مجلس در مسیر همسو برای بازنگری در سیاست‌های قیمتی انرژی حرکت می‌کنند. هرچند اجرای عملی این سیاست‌ها به احتمال زیاد به لایحه بودجه ۱۴۰۵ و تصمیم نهایی دولت در ماه‌های پایانی سال موکول خواهد شد.

خبر روز

قم، تهران و مشهد پیشگام در نصب کنتورهای هوشمند

مسئولان صنعت برق کشور، نصب کنتورهای هوشمند را یکی از راهکارهای مناسب برای کنترل مصارف بی رویه برق توسط مشترکان پرمصرف می‌دانند که اکنون استان خراسان شمالی و شهرهای قم، تهران بزرگ و مشهد پیشگام نصب این کنتورها هستند. نصب کنتورهای هوشمند برای مشترکان با هدف مدیریت مصرف برق آنان یکی از برنامه‌های وزارت نیرو و صنعت برق برای غلبه بر ناترازی برق است. سال گذشته و قبل از رسیدن پیک بار مصرف، وزارت نیرو نسبت به تدوین ۳۶ برنامه برای گذر از تابستان اقدام کرده بود که یکی از این برنامه‌ها نصب کنتورهای هوشمند برای مشترکان پرمصرف بود. طبق برنامه هفتم توسعه باید دست کم ۹۰ درصد انرژی کشور از طریق کنتورهای هوشمند مدیریت شود. در حال حاضر ۵۷ درصد انرژی شبکه با استفاده از این سامانه‌ها پایش می‌شود. بر اساس هدفگذاری انجام شده، در یک سال آینده تعداد کنتورهای هوشمند و سایر تجهیزات هوشمند نصب شده در حوزه مصرف به ۱۲ میلیون دستگاه خواهد رسید که جهشی بیش از ۲ برابر وضعیت فعلی است. چندی پیش حامد احمدی مدیرکل دفتر هوشمندسازی و فناوری‌های نوین شرکت تولید، انتقال و توزیع نیروی برق (توانیر) گفته بود: تاکنون بیش از ۵.۵ میلیون کنتور هوشمند در شبکه برق کشور نصب شده که ۴.۵ میلیون آن مربوط به مشترکان خانگی و تجاری است. وی ادامه داد: استفاده از این کنتورها در تابستان گذشته موجب کاهش حدود ۲ هزار مگاوات از اوج بار مصرف برق شد. اکنون و در تازه‌ترین اظهار نظر درباره آخرین وضعیت نصب کنتورهای هوشمند، مدیرکل دفتر فنی، مهندسی و هوشمندسازی شبکه توزیع توانیر از پیشتازی چند استان در اجرای طرح ملی هوشمندسازی لوازم اندازه‌گیری خبر داد و گفت: خراسان شمالی، قم، تهران بزرگ و مشهد با تحقق چشمگیر اهداف روزانه، در جمع برترین شرکت‌های توزیع برق کشور قرار گرفته‌اند. حامد احمدی با اشاره به روند رو به رشد اجرای طرح اظهار داشت: بر اساس داده‌های ثبت شده تا تاریخ ۲۱ مهر ۱۴۰۴، میانگین تحقق اهداف روزانه در سطح شرکت‌های توزیع برق کشور به حدود ۴۵ درصد رسیده که نشان دهنده رشد پیوسته عملکرد استان‌ها در این طرح ملی است. تمرکز اصلی در هفته‌های اخیر بر تسریع تعویض و نصب کنتورهای هوشمند است.

کسب و کار

ضرورت درک عمیق مدیران از ویژگی‌های متمایز

استخدام نسل Z یک مزیت رقابتی فوق‌العاده برای کسب‌وکارها

ورود کارکنان نسل Z به دنیای کار، که اغلب به‌عنوان «بومیان دیجیتال» شناخته می‌شوند، یک نگرانی عمده برای بسیاری از مدیران میان‌سال و سازمان‌ها ایجاد کرده است. با این حال، باید اذعان داشت که تمرکز صرف بر این نگرانی‌ها ممکن است موجب شود سازمان‌ها یک فرصت بزرگ و استثنایی را از دست بدهند. در این نوشته، هدف این است به زبانی ساده و کاربردی، توضیح داده شود چرا استخدام نسل Z یک مزیت رقابتی فوق‌العاده برای کسب‌وکارها محسوب می‌شود و چگونه می‌توان از طریق استراتژی‌های هوشمندانه، آن‌ها را جذب، استخدام و حفظ کرد. این رویکرد، به ویژه برای کسب‌وکارهایی که به شدت به تکنولوژی، دیجیتال و نوآوری وابسته هستند، حیاتی است. درک صحیح از نحوه مدیریت کارکنان نسل Z، کلید بهره‌مندی از پتانسیل کامل این نسل است. نسل Z متشکل از افرادی است که در دنیای اینترنت و دستگاه‌های هوشمند پرورش یافته‌اند. به دلیل این رشد در محیط دیجیتال، کارکنان نسل Z مهارت‌ها و نگاهی کاملا متمایز نسبت به کار، ارزش‌ها و ارتباطات دارند. اگر یک مدیر کسب‌وکار دنبال سرعت، نوآوری و تطبیق‌پذیری در سازمان است، نمی‌تواند از نقش مثبت این نسل در دستیابی به این اهداف چشم‌پوشی کند. توانایی‌های ذاتی کارکنان نسل Z، مزایای مشخصی را برای سازمان به ارمغان می‌آورد: حل سریع‌تر مشکلات فنی: آن‌ها می‌توانند چالش‌های فنی و دیجیتال را با سرعتی بالاتر حل‌وفصل کنند. کارآمدی با ابزارهای جدید: کارکنان نسل Z با ابزارهای نوین کارآمدتر هستند و می‌توانند بهره‌وری را از طریق فناوری افزایش دهند. دید تازه به بازاریابی دیجیتال: آن‌ها دیدگاه‌های خلاقانه و به‌روزی را به محصول و استراتژی‌های بازاریابی دیجیتال سازمان تزریق می‌کنند. بنابراین، مدیریت کارکنان نسل Z به طور موثر و استفاده بهینه از پتانسیل‌های آن‌ها، دیگر یک گزینه نیست؛ بلکه یک ضرورت استراتژیک برای حفظ رقابت و نوآوری در بازار امروز است.

■ **ویژگی‌های کلیدی کارکنان نسل Z**

برای موفقیت در مدیریت کارکنان نسل Z، ضروری است مدیران به درک عمیقی از ویژگی‌های متمایز این نسل دست یابند. تجربه و مشاهدات نشان می‌دهد پنج ویژگی اصلی زیر، تعیین‌کننده نحوه تعامل و مدیریت کارکنان نسل Z است:

■ **۱. بومیان دیجیتال**

کارکنان نسل Z در عصر اینترنت پرسرعت و دستگاه‌های هوشمند بزرگ شده‌اند؛ به طوری که این ابزارها بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی روزمره آن‌ها محسوب می‌شود. این نسل به صورت غریزی می‌داند چگونه از طریق موتورهای جستجو، شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های آنلاین، به سرعت اطلاعات را جستجو کرده، مطالب جدید بیاموزد و مسائل کاری را حل کند. در مدیریت کارکنان نسل Z، مدیران باید انتظار داشته باشند که آن‌ها برای هر چالشی، ابتدا دنبال راه‌حل‌های دیجیتالی باشند و از ابزارهای سنتی دوری کنند. این ویژگی، فرصت بزرگی برای تسریع فرایندهای دیجیتال در سازمان فراهم می‌کند.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۰۵۷۰۲۲۷۵۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهریار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مصطفی آذری بیلداش فرزند عطاالله بشماره شناسنامه ۳۶۵۴۹ با کد ملی ۰۰۵۹۱۹۵۸۴۳ بصورت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۰۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۷۸ اصلی واقع در شهرستان شهریار خریداری از مالک رسمی حلیمه دولت آبادی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ ،رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ،اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۷/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۲۷
مهدی ناصری
رئیس ثبت اسناد و املاک
م / الف ۱۳۰۵۴

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۰۵۷۰۲۲۵۰۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهریار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد امینی فرزند حبیب اله بشماره شناسنامه ۳۱۶۸۷ با کد ملی ۰۰۷۷۷۸۷۷۶۵ بصورت ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۲۲۷۵/۴۸ متر مربع که اعیانی قسمتی از پلاک ۷۸/۴۰ و عرصه قسمتی از پلاک ۷۸ اصلی است واقع در شهرستان شهریار خریداری از مالک رسمی آقای سلیمان امینی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ،اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۷/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۲۷
مهدی ناصری
رئیس ثبت اسناد و املاک
م الف ۱۲۹۱۸

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۵۷۰۲۴۱۶۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهریار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علیرضا حیدری فرزند یوسف بشماره ملی ۴۴۱۰۲۸۷۷۱۰ در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۸۰۰.۸۱ متر مربع قسمتی از قطعه ۱۱ از صورتمجلس تفکیکی شماره ۲۸۲۲۷ مورخ ۴۶/۱۰/۲۴ از پلاک ۱۴۶ فرعی از ۴۶ اصلی واقع در شهریار خریداری از مالک رسمی آقای ابراهیم عرب شیری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۷/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۷/۲۷
مهدی ناصری
رئیس ثبت اسناد و املاک
م / الف ۱۳۰۳۲

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۲۶۷۰۰۳۸۲۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۸ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه چهار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای ابوالقاسم حسنی فرزند محمد بشماره شناسنامه ۱۰۰۷ صادره از چناران در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۱۱۶ متر مربع قسمتی از پلاک فرعی از ۱۶ اصلی بخش ۱۱ واقع در اراضی گوارشک خریداری از مالک رسمی آقای مهدی زمانیان گوارشکی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ ،سید ،ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ،اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۷/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۷/۲۷
حمید رضا افشار
رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه ۴ مشهد
م الف ۷۵۹۱

آگهی مفقودی

برگ سبز خودروی سواری پژو پارس مدل ۱۴۰۰ به رنگ سفید ـ روغنی به شماره شاسی NAAN11FE3MH6858051 ۱۶۴B0293206 به شماره موتور به شماره پلاک ۸۲۶ ص ۶۵ ایران ۷۶ به نام مالک دنیا شینی پور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. **(مازندران)**

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۲۶۷۰۰۴۳۷۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه چهار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای رضا رضوی قدس فرزند علی محمد بشماره شناسنامه ۱۹۶ صادره از مشهد در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۳۵۲۱ متر مربع قسمتی از پلاک ۸۳ اصلی بخش ۱۰ واقع در اراضی شاه نیاز از محل مالکیت مشاعی خود متقاضی محرز گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ ،رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ،اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۷/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۷/۲۷
حمیدرضا افشار
رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه ۴ مشهد
م / الف ۷۵۹۴

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کاشمر
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۰۱۲۰۰۸۳۲۱ هیات اول کلاسه ۱۴۰۴-۹۳۷ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای مسعود صنعتگر به شناسنامه شماره ۰۸۹۰۰۱۱۰۴۴ کدملی ۰۸۹۰۰۱۱۰۴۴ صادره کاشمر فرزند عبدالحمید در ششدانگ یکباب منزل مسکونی به مساحت ۱۰۱.۱۹ متر مربع پلاک ثبتی ۱۷۹ فرعی از ۳۰۲۷ اصلی واقع در بخش یک حومه حوزه ثبت ملک خراسان رضوی شهرستان کاشمر خریداری از مالک رسمی مرضیه چاکری و علی اصغر قربازاده محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول :۱۴۰۴/۰۷/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۷/۲۷
احمد جهانگیر
رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر

آگهی ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت املاک

آقای مجید صابری احدی از ورثه مرحوم بدیع الله با تسلیم دوبرگ استشهادیه تصدیق شده طی درخواست وارده بشماره ۰۶۸۰ مورخه ۱۴۰۴/۰۷/۲۲ ادعا نموده است که سند مالکیت سه دانگ مشاع از شش دانگ یکباب ساختمان پلاک ثبتی ۸۷۰/۱ بخش ۴ شهمیرزاد به شماره ثبت ۱۶۴۴ و شماره صفحه ۳۹۸ بشماره دفتر املاک ۱۵ و شماره ملک ۸۷۰ به علت جابجایی اسباب منزل مفقود گردیده است و چون در نظر است سند مالکیت المثنی نسبت به پلاک فوق صادر گردد لذا مراتب یک نوبت در روزنامه کثیر الانتشار آگهی می گردد تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله نسبت به پلاک مذکور می باشد از تاریخ انتشار ظرف مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به اداره ثبت اسناد و املاک مهدیشهر تسلیم نماید بدیهی است پس از انقضای مهلت مقرر سند مالکیت المثنی برابر مقررات صادر خواهد شد. **شناسه آگهی ۲۰۲۸۸۹۰**

حسین فزونی تلوکی
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان مهدی شهر
از طرف مهدی تاج فر

اسکناس
نسخه آنلاین روزنامه اقتصادی اسکناس را در وبسایت اینترنتی بخوانید
www.eskenasnewspaper.com

گزارش «اسکناس» از مسیر پر دست انداز خصوصی سازی

صنعت خودرو در پیچ و خم واگذاری ها

چندی پیش بود که موضوع واگذاری سه درصد سهام فولاد مبارکه، ۱۶.۸ درصد سهام سایپا و ۵.۷ درصد سهام ایران خودرو در جلسه هیات واگذاری به ریاست سیدعلی مدنی زاده وزیر امور اقتصادی و دارایی مطرح و در نهایت مقرر شد واگذاری شرکت های مذکور پس از جلسه با محمدرضا عارف معاون اول رئیس جمهوری تعیین تکلیف شود.

هر چند هنوز جلسه ای برای تعیین تکلیف وضعیت واگذاری سهام دولتی با حضور عارف معاون اول رئیس جمهوری برگزار نشده است اما سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدرو) با ارسال نامه‌ای به دبیر هیات دولت، نقطه نظرات خود را در خصوص این واگذاری ها اعلام و خواستار حفظ حداقل ۲۰ درصد از سهام دولت به عنوان سهم نظارتی شد؛ موضوعی که در قانون سیاست های کلی اصل ۴۴ نیز پذیرفته شده است.

ایدرو در این نامه که ۲۰ مهر ۱۴۰۴ تنظیم شده، با استناد به بند «چ» سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی که واگذاری بیش از ۸۰ درصد سهام بنگاه‌های دولتی را ممنوع کرده است، واگذاری سهام باقی‌مانده دولت در ایران خودرو و سایپا که کمتر از ۲۰ درصد است را خارج از چارچوب قانونی دانسته است.

در این نامه با اشاره به نامه نگاری شورای نگهبان در سال ۱۳۸۸ استدلال شده است که واگذاری ۱۰۰ درصدی سهام این شرکت‌ها را مغایر با سیاست‌های اصل ۴۴ و بند ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون اساسی است.

در بخش دیگر این نامه، به سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال ۱۳۹۰ در دیدار با تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی اشاره شده است که بر ضرورت نظارت مستمر دولت بر بنگاه‌های اقتصادی تأکید داشتند. ایشان ضمن حمایت از خصوصی‌سازی، هشدار داده بودند که عدم نظارت می‌تواند به سوءاستفاده، زیان به اقتصاد کشور، بنگاه‌ها و مردم منجر شود.

در پایان این نامه نیز تاکید شده است که واگذاری سهام دولت قبل در این بنگاهها پیش از عمل به تکلیف قانونی مقرر در ماده پنج قانون برنامه هفتم مبنی بر واگذاری سهام شرکت های اصلی در اختیار شرکت ها فرعی، دارای آثار مالی به زیان دولت و به نفع خریداران سهام است.

■ هم چنان واگذاری سهام تودلی خودروسازان دنبال می‌شود

در توضیح این نامه بود که سهیل معمارباشی معاون توسعه صنایع حمل و نقل ایدرو اعلام کرد که این نامه به هیچ‌وجه به معنای توقف فرآیند خصوصی‌سازی شرکت‌های خودروساز نیست؛ وی چنین توضیح داد که هم چنان واگذاری سهام تودلی خودروسازان دنبال می‌شود. نامه اخیر فقط ناظر بر حفظ سهم حداقلی قانونی دولت در این شرکت‌ها، آن هم به استناد اسناد بالادستی و قوانین و مقررات مربوط است و ارتباطی با فرآیند واگذاری سهام تودلی ندارد.

معاون توسعه صنایع حمل و نقل ایدرو به سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی اشاره و تاکید کرد که طبق بند «ج» سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴، سهم دولت در شرکت‌های بزرگ (گروه دو) نباید کم‌تر از ۲۰ درصد باشد. بنابراین، نامه ایدرو مربوط به الزام حفظ این سهم حداقلی است، نه مخالفت با واگذاری. به گفته معمارباشی، دولت هم چنان مصمم به اجرای قانون در خصوص سهام تودلی خودروسازان است. این اقدام باید در چارچوب تعیین شده در قانون و با حفظ نظارت حاکمیتی انجام شود.

■ بند ج سیاست های کلی اصل ۴۴ چه می گوید؟

در سیاست های ابلاغی بند ج سیاست های کلی اصل ۴۴ که در تیر ماه سال ۸۵ ابلاغ شد، تاکید شده است که اجرای این سیاست های استراتژیک که واگذاری ۸۰ درصد از سهام کارخانه ها و بنگاههای بزرگ

دولتی مشمول اصل ۴۴ را شامل می شود، زمینه تحقق اهدافی بسیار مهم از جمله سرعت یافتن روند رونق اقتصادی و توسعه کشور، اجرای عدالت اجتماعی، فقرزدایی و دستیابی به اهداف سند چشم انداز بیست ساله را فراهم می کند.

در آن سیاست ها بر تغییر نقش دولت از مالکیت و مدیریت مستقیم بنگاه به سیاستگذاری و هدایت و نظارت، توانمندسازی بخشهای خصوصی و تعاونی در اقتصاد و حمایت از آن جهت رقابت کالاها در بازارهای بین المللی، آماده سازی بنگاههای داخلی جهت مواجهه هوشمندانه با قواعد تجارت جهانی در یک فرایند تدریجی و هدفمند، توسعه سرمایه انسانی دانش پایه و متخصص و توسعه و ارتقاء استانداردهای ملی و انطباق نظام های ارزیابی کیفیت با استانداردهای بین المللی تاکید شده بود.

در بند ج این سیاست های ابلاغی هفت گروه از بنگاه های بزرگ مدنظر قرار گرفته که شامل موارد زیر است:

۱- بنگاههای دولتی که در زمینه معادن بزرگ، صنایع بزرگ و صنایع مادر (از جمله صنایع بزرگ پایین دستی نفت و گاز) فعال هستند به استثنای شرکت ملی نفت ایران و شرکت های استخراج و تولید نفت خام و گاز

۲- بانکهای دولتی به استثنای بانک مرکزی ج.ا.ا. بانک ملی ایران، بانک سپه، بانک صنعت و معدن، بانک کشاورزی، بانک مسکن و بانک توسعه صادرات

۳- شرکت های بیمه دولتی به استثنای بیمه مرکزی و بیمه ایران

۴- شرکتهای هواپیمایی و کشتیرانی به استثنای سازمان هواپیمایی کشوری و سازمان بنادر و کشتیرانی

۵- بنگاههای تامین نیرو به استثنای شبکه های اصلی انتقال برق

۶- بنگاههای پستی و مخابراتی به استثنای شبکه های مادر مخابراتی، امور واگذاری فرکانس و شبکه های اصلی تجزیه و مبادلات و مدیریت توزیع خدمات پایه پستی

۷- صنایع وابسته به نیروهای مسلح به استثنای تولیدات دفاعی و امنیتی ضروری به تشخیص فرمانده کل قوا

بر این اساس نامی از صنعت خودروسازی در میان بنگاه های مشمول بند ج سیاست های کلی اصل ۴۴ برده نشده است.

■ تاکید سیاست های اصل ۴۴ بر واگذاری سهام دولتی است

درباره واگذاری سهام دولتی در صنعت خودروسازی، امیرحسن کاکایی کارشناس صنعت خودرو در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی ایرنا می گوید: بحث واگذاری سهام دولتی شرکت های خودروساز مشکلی است که دولت ها در سال های گذشته به وجود آورده اند.

وی اضافه می کند: مجموعه سیاست هایی که حاکمیت از جمله مجلس شورای اسلامی و نهادهای متولی، باعث شده تا صنعت خودرو و بخش خصوصی فعال در این بخش در ریل اقتصادی خود حرکت کند و به همین دلیل شاهد افت تولید و ضرر و زیان بخش صنعت خودرو هستیم.

کارشناس صنعت خودرو عنوان می کند: شرکت سایپا اکنون چالش های مختلفی دارد و از آنجایی که مدیریت آن به صورت دولتی اداره می شود با قیمت گذاری های دستوری و سیاست هایی که روی آن اعمال می شود نمی تواند، برنامه ریزی برای این صنعت داشته باشد.

وی اضافه کرد: اکنون شرکت ایران خودرو بر اساس قانون تجارت به دنبال متناسب سازی قیمت خودرو با هزینه های تولید است و می تواند این مسائل را دنبال کند اما شرکت سایپا به خاطر دولتی بودن این اجازه را ندارد و با مشکلات عدیده ای روبروست.

■ زیان هایی که جبران نمی شود

کاکایی به متن ماده نود (۹۰) قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی اشاره کرده و می گوید: چنانچه دولت به هردلیل قیمت فروش کالاها یا خدمات بنگاههای مشمول واگذاری و یا سایر بنگاههای بخش غیردولتی را به قیمتی کمتر از قیمت بازار تکلیف کند، دولت مکلف است مابه التفاوت قیمت تکلیفی و هزینه تمام شده را تعیین و از محل اعتبارات و منابع دولت در سال اجراء پرداخت کند و یا از بدهی این بنگاهها به سازمان امور مالیاتی کسر کند.

بر اساس ماده نود این قانون، چنانچه دولت به هردلیل قیمت فروش کالاها یا خدمات بنگاه‌های مشمول واگذاری و یا سایر بنگاه‌های بخش غیردولتی را به قیمتی کمتر از قیمت بازار تکلیف کند، دولت مکلف است مابه التفاوت قیمت تکلیفی و هزینه تمام شده را تعیین و از محل اعتبارات و منابع دولت در سال اجراء پرداخت کند و یا از بدهی این بنگاه‌ها به سازمان امور مالیاتی کسر نماید.

وی بیان می کند: اکنون هشتمین سال است که زیان های سنگین به شرکت های خودروساز بر اساس همین قیمت گذاری وارد شده است که قرار بود از ابتدای امسال قرار به شرکت سایپا چندین همت پرداخت شود اما هنوز پرداخت نشده است و این شرکت با مشکلات دست و پنجه نرم می کند.

کارشناس صنعت خودرو تاکید می کند: یک شرکت خودروساز با دست خالی و سیاست های تخریبی که نمی تواند اقدام به برنامه ریزی و سیاست گذاری در عرصه تولید کند از سوی دیگر دولت نیز به سر دو راهی غیر قابل برگشت قرار دارد. وی با اشاره به اینکه پنج سال پیش مجموعه دولت به این نتیجه رسید که نتیجه رسید که سهام های دولتی را واگذار کنند، می گوید: با گذشت این سال ها همچنان چالش های بخش صنعت خودرو و واگذاری ها و قیمت گذاری ها در این بخش ادامه دارد.

کاکایی اضافه کرد: در سطح عالی نظام باید در این زمینه تصمیم گیری قاطع صورت بگیرد که صنعت خودروسازی یا کاملا خصوصی شود یا دولتی بماند.

وی با بیان اینکه واگذاری سهام های تودلی باید درست انجام شود می گوید: در سال های پیش، سهم دولت در شرکت های بزرگ به کمتر از ۲۰ درصد رسیده است از این رو می توان این موضوع را از لحاظ حقوقی ادامه داد.

گزارش

۷ چالش اصلی تولید در شهریور؛ از نقدینگی تا نیروی کار

شاخص میزان تولید محصول یا ارائه خدمات در شهریورماه ۱۴۰۴ معادل ۴۵.۳ واحد محاسبه شده است. اگرچه این رقم نسبت به ماه گذشته کاهش ملایم‌تری را نشان می‌دهد، اما برای هجدهمین ماه متوالی همچنان پایین‌تر از محدوده‌ی خنثی (۵۰) قرار دارد و بیانگر تداوم وضعیت رکودی در بخش تولید و خدمات است. در همین راستا، مهم‌ترین چالش‌های بخش تولید و تجارت از نگاه فعالان اقتصادی در شهریورماه ۱۴۰۴ به شرح زیر است:

■ ۱. ناترازی انرژی و قطعی برق

ادامه قطعی‌های مکرر برق و محدودیت در سهمیه‌ی انرژی، در بسیاری از واحدهای صنعتی موجب خسارت به تجهیزات، کاهش ظرفیت تولید و در مواردی توقف کامل خطوط تولید شده است.

■ ۲. کمبود نقدینگی و مشکلات مالی

تولیدکنندگان با کمبود شدید نقدینگی و افزایش چک‌های برگشتی مواجه‌اند. همچنین، افزایش هزینه‌های مالیاتی، تغییر در قوانین تقسیط و افزایش مبلغ پرداخت اولیه‌ی نقدی فشار مضاعفی بر بنگاه‌ها وارد کرده است.

■ ۳. نوسانات ارزی و کمبود مواد اولیه

بی‌ثباتی نرخ ارز، عدم تخصیص به موقع ارز، و افزایش چشمگیر قیمت مواد اولیه از مهم‌ترین چالش‌های ماه اخیر بوده است. مشکلات در تأمین و واردات مواد اولیه، تأخیر در ترخیص گمرکی، بروکراسی سنگین و هزینه‌های بالای گمرکی موجب اختلال در روند تولید شده است. این نوسانات ارزی همچنین بلاتکلیفی در قیمت‌گذاری و کاهش اعتماد مشتریان را به همراه داشته است.

■ ۴. رفع تعهد ارزی و محدودیت‌های صادراتی

سهمیه‌بندی و تأخیر در تخصیص ارز، مشکلات رفع تعهد ارزی، افزایش هزینه‌های گمرکی و حذف ارز ترجیحی در کنار کاهش توان مالی مصرف‌کنندگان، چشم‌انداز صادرات را تضعیف کرده است. فعالان اقتصادی تأکید دارند که اصلاح سیاست‌های رفع تعهد ارزی می‌تواند به رونق صادرات و جلوگیری از تشدید بحران‌های اقتصادی و اجتماعی کمک کند.

■ ۵. رکود بازار و افت تقاضا

رکود شدید بازار داخلی و کاهش محسوس تقاضا منجر به توقف تولید در بسیاری از واحدها شده است. افزایش هزینه‌های معیشت و کاهش قدرت خرید خانوارها نیز اثر مستقیم بر کاهش فروش و سفارشات جدید گذاشته است.

■ ۶. تحریم‌ها و ریسک‌های سیاسی

تداوم تحریم‌های بین‌المللی، نگرانی از فعال شدن مکانیزم ماشه و افزایش ریسک‌های غیراقتصادی فضای سرمایه‌گذاری را مبهم کرده و بر تصمیم‌گیری فعالان اقتصادی تأثیر منفی گذاشته است.

معادن زنجان ظرفیتی مغفول؛

از چالش خام فروشی تا فرسودگی تجهیزات

استان زنجان با دارا بودن ذخایر متنوع و غنی از مواد معدنی فلزی و غیرفلزی، یکی از قطب های مهم معدنی کشور به شمار می رود؛ ظرفیتی بالقوه که می تواند نقش بسزایی در تأمین مواد اولیه صنایع، ایجاد اشتغال پایدار و رشد اقتصادی منطقه ایفا کند.

با این حال، چالش های متعدد ساختاری، مدیریتی و زیرساختی موجب شده بخش قابل توجهی از این توان بالقوه همچنان محقق نشود.

■ پراکندگی، فرسودگی تجهیزات و نبود زیرساخت، معضلات جدی معادن

مدیرعامل یکی از معادن زنجان با اشاره به وضعیت نامناسب برخی معادن استان، اظهار کرد: بسیاری از معادن استان کوچک، پراکنده و فاقد تجهیزات مناسب هستند. برخی نیز به دلیل مشکلات بیمه‌ای، کمبود سوخت، نبود حمایت‌های زیرساختی و فرسودگی ماشین‌آلات، در آستانه تعطیلی قرار گرفته‌اند.

وی افزود: اگرچه بسیاری از معادن فعال تحت پوشش بیمه قرار دارند، اما مشکلات اساسی در نبود زیرساخت هایی چون برق، آب و زمین مناسب نمود دارد. همین مسئله موجب شده تعدادی از واحدهای فرآوری یا به استان های دیگر منتقل شوند یا به سختی فعالیت کنند.

محمد آخوندی یکی از مهم‌ترین راهکارها را هماهنگی میان دستگاه های اجرایی و نهادهای مرتبط عنوان کرد و گفت: بروکراسی پیچیده، صدور دستورات متناقض و تداخل وظایف دستگاه ها به‌ویژه منابع طبیعی و محیط زیست، مانعی جدی بر سر راه سرمایه‌گذاری در حوزه معدن است.

■ تنها ۲۲۰ معدن از ۴۷۴ محدوده فعال است

رئیس خانه صنعت و معدن استان زنجان نیز با انتقاد از عملکرد ضعیف در استفاده از ظرفیت های معدنی استان گفت: با وجود ۴۷۴ محدوده معدنی، تنها ۲۲۰ معدن فعال است و دلایل متعددی چون موانع محیط زیستی، ضعف در اکتشاف، فرسودگی ماشین‌آلات، نبود زیرساخت و ناتوانی در بازگشت حقوق دولتی به استان باعث شده حوزه معدن زنجان از توسعه بازبماند. آرمین سلسالی با اشاره به خام‌فروشی گسترده مواد معدنی، افزود: در حالی که زنجان از نظر تنوع مواد معدنی از استان های پیشرو کشور است، زنجیره فرآوری تنها در حوزه فلزات سرب و روی تا حدی کامل شده و در سایر مواد همچون آهن، خاک‌های صنعتی، باریت و کائولن همچنان خام‌فروشی انجام می‌شود. این مسئله نه‌تنها درآمد بهره‌برداران را کاهش داده، بلکه فرصت های شغلی و ارزش افزوده را از استان خارج کرده است.

وی با اشاره به اینکه زنجان در کمربند متالوژنی کشور قرار دارد و یکی از استان های مستعد معدنی به شمار می‌رود، افزود: متأسفانه سال‌ها تمرکز بر یک معدن عدم توسعه اکتشافات جدید باعث شده سایر ذخایر معدنی استان مغفول بمانند.

وی با بیان اینکه تمرکز چندین ساله بر یک معدن باعث شده سایر ذخایر معدنی استان نادیده گرفته شود. عدم حضور شرکت های بزرگ اکتشافی و سازمان زمین‌شناسی نیز مزید بر علت شده است، خاطرنشان کرد: پهنه های معدنی متعددی در استان وجود دارد که قابلیت تبدیل به معدن را دارند، اما به دلیل نبود سرمایه‌گذاری، در مراحل شناسایی و پی جویی باقی مانده‌اند.

■ ضعف اکتشافات و عدم ورود شرکت‌های بزرگ معدنی

رئیس خانه صنعت و معدن استان زنجان ادامه داد: در برخی مناطق مثل پهنه طارم با چالش هایی همچون پوشش گیاهی انبوه و ملاحظات محیط زیستی مواجه هستیم که مانع توسعه سینه‌کار شده اما حتی در این مناطق هم امکان اکتشاف زیرزمینی با حداقل تخریب طبیعت وجود دارد. وی افزود: در مناطق مستعدی مانند طارم، با وجود چالش های محیط زیستی و پوشش گیاهی انبوه، امکان اجرای اکتشافات زیرزمینی با کمترین آسیب زیست محیطی وجود دارد. اما نبود سرمایه‌گذاری، بیشتر پهنه‌ها را در همان مراحل شناسایی باقی گذاشته است.

■ فرسودگی ماشین‌آلات؛ مانعی جدی در افزایش بهره‌وری

سلسالی افزود: ماشین‌آلات معدنی استان اغلب بیش از ۴۰ سال عمر دارند، بهره‌وری پایینی دارند و مصرف سوختشان بالاست. وی خواستار ایجاد سامانه‌ای برای تسهیل واردات ماشین‌آلات معدنی با استفاده از ارز حاصل از صادرات شد و افزود: دولت باید بروکراسی سنگین واردات ماشین‌آلات را کاهش داده و امکان استفاده از منابع ارزی شرکت‌های صادرات‌محور را برای نوسازی معادن فراهم کند.

■ معدن انگوران و سهم ناچیز زنجان از درآمدها

وی تأکید کرد: انتقال حساب های مالی شرکت های معدنی به استان می‌تواند نقش مهمی در حفظ سهم واقعی زنجان در توسعه داشته باشد؛ در حالی که بسیاری از شرکت‌ها همچنان در تهران حساب مالی دارند و مالیات خود را خارج از استان پرداخت می‌کنند.

■ تسریع در اکتشافات معدنی و توسعه زیرساخت‌ها؛ کلید توسعه پایدار استان زنجان

نماینده مردم زنجان و طارم در مجلس شورای اسلامی یکی دیگر از چالش‌های مهم استان را روند کند اکتشافات معدنی عنوان کرد و گفت: برای بهره‌برداری بهینه از منابع معدنی، باید سهم استان در پهنه‌های معدنی مشخص شود و فرآیند اکتشافات با شفافیت و سرعت بیشتری انجام شود. این امر می‌تواند زمینه را برای جذب سرمایه‌گذاری و توسعه پایدار صنایع معدنی فراهم آورد.

مصطفی طاهری با اشاره به اهمیت شفافیت در فرآیندهای معدنی، افزود: شفافیت در ارائه نقشه‌های اکتشافی و برگزاری مزایده‌ها، اعتماد سرمایه‌گذاران را جلب می‌کند و مانع از ایجاد رانت و مشکلات اداری خواهد شد.

وی با تاکید بر اهمیت بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های معدنی استان، خواستار تعیین سهم دقیق استان در پهنه‌های معدنی و تسریع روند اکتشافات با شفافیت و سرعت بیشتر شد. عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی با اشاره به پروژه‌های مهم صنعتی و معدنی استان، اظهار داشت: استان زنجان از نظر ظرفیت‌های معدنی در موقعیت قابل توجهی قرار دارد اما برای استفاده حداکثری از این ظرفیت‌ها نیازمند توسعه زیرساخت‌ها هستیم. به ویژه تأمین برق که یکی از اصلی‌ترین زیرساخت‌های مورد نیاز برای پیشرفت صنایع و معادن است، در وضعیت مناسبی نیست و ظرفیت فعلی پاسخگوی نیازها نیست.

طاهری با بیان اینکه کمبود برق به یکی از موانع جدی در روند توسعه صنعتی و معدنی استان تبدیل شده، افزود: استان حداقل به ۱۵۰ تا ۲۰۰ مگاوات برق جدید نیاز دارد تا بتواند پاسخگوی ظرفیت‌های توسعه‌ای باشد. متأسفانه این نیاز تاکنون تأمین نشده و حتی برنامه‌های پیش‌بینی شده نیز فاصله قابل توجهی با نیاز واقعی دارند. معاون امور معدنی اداره‌کل صنعت، معدن و تجارت استان زنجان، با اشاره به وجود ۳۸۴ پروانه بهره‌برداری و ۴۷۴ محدوده معدنی در استان، گفت: زنجان دارای بیش از ۳۶ نوع ماده معدنی استراتژیک است که سالانه حدود ۱۴.۵ میلیون تن استخراج می‌شود.

نسرین خانمحمدی، با اشاره به تشکیل کارگروه نظارت بر معادن، گفت: برای جلوگیری از آسیب به محیط زیست و تضییع حقوق بیت‌المال، کارگروهی با حضور فرمانداران و دستگاه‌های مرتبط تشکیل شده است که تخلفات و شکایات را بررسی و پیگیری می‌کند. وی فرسودگی ماشین‌آلات، کمبود تولید داخلی تجهیزات سنگین، و موانع قانونی ناشی از دخالت منابع طبیعی و محیط زیست در تخصیص پهنه‌های معدنی را از چالش‌های اصلی عنوان کرد.

گزارش

به نام مسافر، به کام سودجویان

شکاف ۱۵ میلیونی رجیستری آیفون

سامانه گمرک جمهوری اسلامی ایران امکان رجیستری آیفون ۱۷ پرو را برای مالکان و فروشندگان آن فعال کرده است. هزینه اعلام شده برای ثبت این دستگاه ۴۳ میلیون تومان است و بدین ترتیب، پس از مدل آیفون ۱۷ پرو مکس، دومین مدل از خانواده آیفون ۱۷ امکان رجیستری رسمی پیدا کرده است. با این حال، رجیستری مدل ساده آیفون ۱۷ و نسخه ایر هنوز فعال نشده و زمان دقیق آغاز آن نیز از سوی گمرک مشخص نشده است.

فعالان بازار تلفن همراه می‌گویند اختلاف قابل توجه میان هزینه رجیستری رسمی و رجیستری مسافری، بازار را با دو نرخ و دو مسیر متفاوت روبه‌رو کرده و در حالی که واردکنندگان رسمی ملزم به پرداخت کامل حقوق گمرکی، مالیات و سود بازرگانی هستند، گوشی‌هایی که از مسیر «مسافری» ثبت می‌شوند، با پرداخت عوارض پایین‌تر وارد و در بازار عرضه می‌شوند. یکی از فروشندگان فعال در یکی از مراکز بزرگ بازار موبایل در این باره اظهار کرد: اختلاف قیمت میان رجیستری مسافری و تجاری در برخی مدل‌ها به بیش از ۱۵ میلیون تومان می‌رسد. او معتقد است این شکاف باعث شده زمینه سوءاستفاده از اطلاعات پاسپورت مسافران فراهم شود و برخی گوشی‌ها از مسیر مسافری وارد بازار شوند و در نهایت با قیمت مدل‌های رجیسترشده رسمی فروخته شوند.

او ادامه داد: این وضعیت علاوه بر ایجاد رقابت ناعادلانه برای واردکنندگان رسمی، منجر به افزایش ریسک برای خریداران نیز شده است؛ چراکه در صورت شناسایی این موارد، گوشی‌های ثبت‌شده از مسیر مسافری ممکن است با خطر قطع آنتن یا لغو رجیستری مواجه شوند. بر اساس اظهارات فعالان بازار، به‌دلیل تفاوت زیاد نرخ ارز محاسباتی و عوارض گمرکی، واردکنندگان رسمی توان رقابت قیمتی با کسانی که از مسیر مسافری استفاده می‌کنند را ندارند. تا زمانی که این فاصله کاهش پیدا نکند، مسیر رسمی همچنان زیان‌ده و مسیر غیررسمی سودآور باقی می‌ماند؛ موضوعی که به گفته کارشناسان، زمینه‌ساز تداوم بازار غیررسمی گوشی در کشور است. مراجع رسمی و مربوطه مثل سامانه همتا هشدار داده‌اند که فروش اطلاعات پاسپورت برای رجیستری گوشی مصداق تخلف است و با متخلفان برخورد قانونی خواهد شد. با این حال اما مشاهدات میدانی از بازار نشان می‌دهد که هنوز بخشی از گوشی‌های گران قیمت، از جمله مدل‌های جدید آیفون، از مسیر مسافری رجیستر می‌شوند و به فروش می‌رسند.

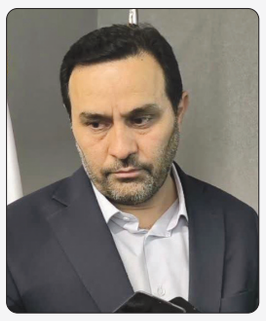

با رشد ۱۵ درصدی صورت گرفت؛

اعلام خرسندی معاون صنایع عمومی وزیر صمت از رونق تولید در صنایع غذایی البرز

البرز/ اکبر حیدری :
مدیرکل صنعت، معدن و تجارت استان البرز از رشد ۱۵ درصدی تولید در صنایع غذایی استان و حذف یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های ارزی برای واحدهای صنعتی خبر داد. دکتر محمد انصاری در حاشیه بازدید معاون محترم صنایع عمومی وزیر صمت، دکتر شیخ، به همراه دکتر هما الوندی مدیرکل صنایع غذا و دارو و خانم مهندس اروجلو معاون ایشان، از هفت واحد صنعتی در حوزه‌های غذایی، پلیمری و لوازم خانگی استان البرز، گفت: ارزیابی‌های صورت گرفته نشان از رشد ۱۰ تا ۱۵ درصدی تولید در صنایع غذایی استان در بخش کنسروجات، کانفکشنری، کاکائو و قهوه دارد.
وی افزود: بر اساس اعلام مدیرکل محترم صنایع غذا و دارو، حذف محدودیت بهینه‌سازی مصارف ارزی برای بخش قابل توجهی از کدهای تعرفه موجب تسهیل فرآیند ثبت سفارشات و واردات مواد اولیه صنایع غذایی خواهد شد.
مدیرکل صمت البرز با اشاره به طرح دغدغه‌های فعالان صنعتی در حوزه تأمین ارز و نقدینگی گفت: «در این بازدید مقرر شد بررسی‌های کارشناسی لازم با دستور معاون محترم وزیر و همراهی مدیرکل صنایع غذا و دارو انجام شود تا بخشی از مشکلات این واحدها برطرف گردد.»
انصاری از توافق برای بهره‌مندی واحدهای تولیدی از سپرده‌های ریالی صندوق توسعه ملی به منظور تأمین نقدینگی و سرمایه در گردش خبر داد و افزود: این اقدام می‌تواند گام مؤثری در رونق تولید و استمرار فعالیت صنایع غذایی استان باشد.

خبر ویژه

اخبار

ارزیابی مثبت ۹۵ درصدی طرح‌های اشتغال‌زایی

رونق اشتغال در گلستان

گروه استانها / گلستان:
ایوب هلاکو، مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان گلستان در حاشیه جلسه کمیته ملی نظارت بر تسهیلات اشتغال‌زایی در گلستان از موفقیت‌های اخیر در حوزه اشتغال‌زایی خبر داد و اعلام کرد که در طی دو روز، ۳۳ طرح اشتغال‌زایی در ۱۴ شهرستان استان با اولویت طرح‌هایی که تسهیلات دریافتی آن‌ها بیش از ۳۰ میلیارد تومان بوده، مورد ارزیابی تیم نظارتی کشور قرار گرفت.
وی در این خصوص گفت: «این ارزیابی‌ها با همکاری دو تیم ۹ نفره متشکل از وزارتخانه‌های کشور، تعاون، کار و رفاه اجتماعی، صمت، جهاد کشاورزی، میراث فرهنگی، اقتصاد و دارایی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و نمایندگان متناظر استانی انجام شد و ۹۵ درصد از طرح‌های مورد پایش، مثبت ارزیابی شدند.»
هلاکو با اشاره به شرایط اقتصادی موجود، محدودیت منابع و تأثیر تحریم‌ها بر بازار کار، افزود: «تلاش می‌کنیم اگر منابعی برای اعطای تسهیلات به متقاضیان در نظر گرفته میشود، حتما در راستای ایجاد اشتغال و رونق تولید به کار گرفته شود. چراکه معتقدیم این اقدام می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی استان و افزایش فرصت‌های شغلی کمک کند.»

شهردار اهواز:

ملاک ارزیابی شهرداری، اثرگذاری طرح‌ها در شهر است

گروه استانها / اهواز:
رضا امینی چهارشنبه ۲۳ مهرماه در آیین آغاز عملیات اجرایی طرح تعریض پل شهید دغاغله اهواز بیان کرد: شهر اهواز تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله زیادی دارد اما سرعت پیشرفت در این دوره افزایش یافته است.
وی با اشاره به اینکه طرح تعریض پل شهید دغاغله اهواز ضرورتی برای نجات جان مردم در ورودی شهر است افزود: این محل در گذشته به یک قتل‌گاه برای مسافران تبدیل شده بود.
امینی ضمن قدردانی از شورای شهر اهواز و تاکید بر سرعت بخشیدن در اجرای طرح های عمرانی ادامه داد: آنچه می‌تواند ما را از گرفتاری‌ها نجات دهد، انسجام، تمرکز و همگرایی است و باید با بهره‌گیری از همه ظرفیت‌ها، طرح‌ها هرچه زودتر به بهره‌برداری برسند.
شهردار اهواز موفقیت هر مجموعه، جامعه، شهر و کشوری را در گرو ۲ اصل "مقاومت" و "مشارکت" عنوان کرد و گفت: اجرای طرح‌های مختلف در شهر اهواز، حاصل صبر، مقاومت آنها و تلاش دست‌اندرکاران مربوطه است.
شایان ذکر است هفته گذشته نیز طرح تعریض پل راهنمایی و رانندگی اهواز افتتاح شد.

در پی کسب عنوان «مدیر برتر ملی»؛

تبریک شهردار و اعضای شورای شهر اردبیل به رئیس کل دادگستری استان

گروه استانها / اردبیل:
در پی انتخاب شایسته حجت‌الاسلام والمسلمین حسین کثیرلو، رئیس کل دادگستری استان اردبیل، به عنوان مدیر برتر ملی، شهردار، رئیس و اعضای شورای اسلامی شهر اردبیل به همراه جمعی از مدیران شهرداری با وی دیدار کرده و این موفقیت ارزشمند را تبریک گفتند.
به‌گزارش روابط عمومی شهرداری اردبیل، این انتخاب که بیانگر تعهد، مدیریت جهادی و خدمات برجسته ایشان در عرصه دستگاه قضایی کشور است، با استقبال و تقدیر گسترده مسئولان و مدیران استانی همراه شد.
در این دیدار صمیمانه، محمود صفری شهردار اردبیل با تبریک این افتخار ملی، از تلاش‌ها و خدمات مؤثر رئیس کل دادگستری در مسیر اعتلای عدالت، نظم اجتماعی و همراهی با برنامه‌های توسعه‌ای استان قدردانی کرد.
همچنین رئیس و اعضای شورای اسلامی شهر اردبیل ضمن تأکید بر نقش تعامل سازنده دستگاه قضایی با مدیریت شهری، کسب این موفقیت را مایه افتخار و مباهات مجموعه اداری و مدیریتی استان دانستند.

معاون وزیر جهاد کشاورزی:

مازندران قطب امنیت غذایی کشور است

گروه استانها / مازندران:
معاون وزیر جهاد کشاورزی و رئیس سازمان دامپزشکی با بیان این که، مازندران ستون فقرات امنیت غذایی کشور است، گفت: باید با اجرای طرح های کاربردی و هوشیاری کامل امنیت غذایی هموطنان حفظ شود.
علی رفیعی پور در مراسم افتتاح کارخانه تولید دارو و مکمل‌های دامپزشکی در بابلسر، با اشاره به اهمیت راهبردی امنیت غذایی اظهار داشت: امنیت غذایی خط مقدم دفاع از کشور است و حتی از جنگ‌های سخت‌افزاری و سایبری مهم‌تر است.
وی با هشدار درباره تهدیدات نوین علیه امنیت غذایی کشور افزود: دشمنان برای از پا درآوردن ملت‌ها، دیگر تنها متکی به جنگ‌افزارهای پرهزینه نیستند. امنیت غذایی امروز مهم‌ترین هدف آنان است.
رئیس سازمان دامپزشکی کشور، جنگ بیولوژیک از طریق عوامل بیماری‌زا برای دام، طیور و آبزیان را تهدیدی کم‌هزینه اما با اثری غیرقابل جبران توصیف کرد.
رفیعی‌پور با اشاره به نقش شرکت‌های دانش‌بنیان در تأمین امنیت غذایی گفت: آینده امنیت غذایی در اختیار شرکت‌های دانش‌بنیان است و یکی از مهم‌ترین دستاوردهای چنین پروژه‌هایی جلوگیری از خروج استارت‌آپ‌ها و نخبگان از کشور است.
وی با ارائه آمارهایی از تولیدات دامی کشور گفت: در شرایط شدیدترین تحریم‌ها، کشورمان بیش از ۱۸ میلیون تن فرآورده خام دامی تولید می‌کند و در تولید برخی محصولات مانند شیر و تخم مرغ، در رتبه‌های برتر جهان قرار داریم.
معاون وزیر جهاد کشاورزی، مازندران را ستون فقرات امنیت غذایی کشور خواند و از همه دستگاه‌ها خواست برای پایداری تولید و امنیت غذایی از وزارت جهاد کشاورزی حمایت کنند.

■ **تولید ۱۱۰۰ تن داروی دامپزشکی در مازندران**

مدیرکل دامپزشکی مازندران گفت: بالغ بر ۱۱۰۰ تن انواع داروی دامپزشکی در هفت ماهه نخست امسال در این استان تولید شد که با راه‌اندازی سومین واحد تولید دارو، ظرفیت استان در این حوزه مجدداً ارتقا یافت.
حمزه آقاپورکاظمی در آیین افتتاح نخستین شرکت دانش‌بنیان تولید داروهای گیاهی دامپزشکی مازندران که با حضور رئیس سازمان دامپزشکی کشور و معاون وزیر جهاد کشاورزی در شهرستان بابلسر برگزار شد، اظهار کرد: با شروع به کار این واحد جدید، تعداد کارخانه‌های فعال تولید داروی دامپزشکی در مازندران از دو واحد به سه واحد افزایش یافت.
وی با اشاره به وجود یک واحد دیگر در حال ساخت، افزود: تلاش داریم با نقشه صنعتی، استان مازندران را به یک قطب تأمین دارو و مکمل تبدیل کنیم.
آقاپورکاظمی در ادامه به تشریح دیگر ظرفیت‌های تولیدی استان پرداخت و تصریح کرد: علاوه بر سه واحد تولید دارو، در استان مازندران چهار شرکت تولید مکمل، چهار کارخانه تولید دی کلسیم فسفات و دو شرکت تخصصی تولید سموم ضد انگل دامپزشکی است.
مدیرکل دامپزشکی مازندران با اشاره به مشکلات پیش‌روی تولیدکنندگان، آمار قابل توجهی از عملکرد این صنف در هفت ماهه امسال ارائه داد و گفت: علیرغم مشکلات تأمین ارز و ناترازی انرژی، تولیدات دارویی و مرتبط در استان شامل ۱۱۰۰ تن انواع داروی دامپزشکی، ۱۲۰۰ تن انواع مکمل‌ها، ۳۰۰ تن انواع ضدعفونی‌کننده‌ها و سموم ضد انگل دامپزشکی بوده است.
وی شرکت داروسازی دام در بابلسر را بعنوان نخستین شرکت تولید داروی گیاهی دامپزشکی مستقر در استان معرفی کرد و ویژگی تولیدات گیاهی را عدم باقیمانده در گوشت طیور عنوان کرد که گامی مهم در جهت تولید محصولات پروتئینی سالم‌تر و ارتقای ایمنی غذایی است.
مدیرکل دامپزشکی استان مازندران با بیان اینکه این مجموعه‌های دانش‌بنیان نقش کلیدی در تأمین دارو، افزایش بهره‌وری و ایجاد امنیت غذایی پایدار در استان ایفا می‌کنند، ابراز امیدواری کرد: شاهد موفقیت‌های بیش از پیش و راه‌اندازی مجموعه‌های دانش‌بنیان بیشتری در این حوزه در استان مازندران خواهیم بود.

در شش‌ماهه نخست امسال رقم خورد؛

رشد ۲.۲ درصدی تولید فولاد خام در گروه فولاد مبارکه

گروه استانها / اصفهان:
غلامرضا سلیمی، معاون بهره‌برداری گروه فولاد مبارکه مطرح کرد؛ رشد ۲.۲ درصدی اعلام‌شده مربوط به تولید فولاد خام در سطح کل گروه فولاد مبارکه است، نه فقط شرکت اصلی. در شش‌ماهه نخست امسال، با وجود محدودیت‌های انرژی، مدیریت دقیق مصرف برق و گاز میان شرکت‌های فولاد مبارکه، فولاد هرمزگان، سبا و فولاد سفیددشت باعث شد خطوط تولید بدون توقف ادامه پیدا کند و در مجموع رشد مثبت در سطح گروه حاصل شود. فولاد سفیددشت نیز که به‌تازگی به بهره‌برداری رسیده، تاکنون حدود ۶۰ تا ۷۰ هزار تن فولاد خام تولید کرده است.
در موضوع انتقال صنایع فولادی به سواحل، اصل ایده برای طرح‌های جدید بسیار خوب است؛ به‌ویژه در بخش‌های آب‌بر زنجیره تولید تا مرحله تختال که حدود ۸۰ تا ۸۵ درصد از کل مصرف آب، برق و گاز در همان بخش اتفاق می‌افتد.
فولاد مبارکه با وسعتی بیش از ۳۶ کیلومتر مربع، زیرساختی عظیم دارد که بخش زیادی از آن در زیرزمین قرار گرفته است. محل فعلی فولاد مبارکه با هدف تأمین نیاز داخل کشور، نزدیکی به معادن مواد اولیه، تمرکز ۸۵ درصدی بازار مصرف در نیمه شمالی کشور و ملاحظات پدافند غیرعامل انتخاب شده است. بحران آب در فولاد مبارکه با مدیریت قابل حل دانسته می‌شود. برداشت از زاینده‌رود تنها یک درصد است و برای تولید هر کیلوگرم فولاد خام حدود ۲.۶ لیتر آب مصرف می‌شود؛ رقمی کمتر از بسیاری از استانداردهای جهانی. کاهش قابل‌توجه مصرف آب، استفاده از پساب شهری و مشارکت در پروژه انتقال آب به استان اصفهان از مهم‌ترین اقدامات این مجموعه در مسیر توسعه پایدار است. در برنامه‌های توسعه آینده، پروژه‌های جدید فولاد مبارکه در مناطق جنوبی کشور، به‌ویژه در هرمزگان، دنبال خواهد شد تا از منابع آبی پایدارتر استفاده شود و ظرفیت‌های صادراتی کشور نیز افزایش یابد.

مدیرعامل آبفای استان اصفهان خبر داد:

برگزاری نخستین مانور سراسری استقرار تیم‌های واکنش سریع شرکت‌های آب و فاضلاب کشور در اصفهان

اصفهان / فاطمه کربلایی:
مدیرعامل آبفای استان اصفهان -ناصر اکبری با اعلام این خبر گفت: این مانور روزهای ۶ تا ۹ آبان‌ماه سال جاری همزمان با هفته پدافند غیرعامل در پژوهشگاه نیرو - مرکز اصفهان برگزار می‌شود.
وی افزود: در این مانور سه‌روزه بیش از ۱۲۰۰ نفر از نیروهای متخصص به همراه خودروهای عملیاتی، آزمایشگاه‌های سیار و تجهیزات پیشرفته از ۳۴ شرکت آب و فاضلاب سراسر ایران حضور خواهند داشت.
مدیرعامل آبفای استان اصفهان هدف اصلی نخستین مانور سراسری استقرار تیم‌های واکنش سریع شرکت‌های آب و فاضلاب کشور را افزایش آمادگی عملیاتی برای مقابله و مهار حوادث و بحران‌های احتمالی در بخش آب و فاضلاب عنوان کرد و گفت: در این رویداد، گروه‌های ۳۰ نفره واکنش سریع از هر شرکت، نخستین مرحله از حضور در عملیات‌های امدادی یعنی استقرار، اسکان و تامین نیازهای لازم در محیط‌های صحرایی و بحران‌زده را شبیه‌سازی و تمرین خواهند کرد.
وی افزود: علاوه بر این سناریوهایی همچون قطعی ناگهانی آب، خرابی شبکه‌های انتقال آب و فاضلاب و همچنین حوادث ناشی از بلایای طبیعی به صورت شبیه‌سازی شده اجرا می‌شوند تا توانمندی نیروها در شرایط بحرانی سنجیده و تقویت شود.
مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان اصفهانایمانور را فرصتی ارزشمند برای سنجش مهارت‌های عملیاتی نیروها، تقویت هماهنگی بین‌بخشی و بررسی تجهیزات در شرایط شبیه‌سازی‌شده بحران قلمداد کرد و با تأکید بر رعایت نظم و انضباط در تمامی مراحل مانور، افزود: با توجه به حساسیت حوزه آب در شرایط بحران، حضور گسترده شرکت‌های همکار در این رویداد، نشان‌دهنده تعهد ملی برای تضمین امنیت آب و بهداشت محیط در مواقع اضطراری است.
وی همچنین این مانور را گامی مؤثر در جهت تقویت زیرساخت‌ها، ارتقای مهارت‌های فنی، تبادل تجربیات بین فعالان صنعت آب و فاضلاب و پایداری خدمات در شرایط بحران دانست و اظهار کرد: در این مانور، نقش آموزش، مهارت، هماهنگی و به‌کارگیری فناوری‌های روز در مدیریت بحران‌های احتمالی به وضوح نشان داده می‌شود.
برگزاری کارگاه‌های آموزشی «آشنایی با قوانین مدیریت بحران و کاربرد فناوری‌های نوین»، «استقرار و تاب‌آوری در شرایط سخت و بحرانی» و «واکنش سریع و ایمن در حوادث» و برپایی نمایشگاهی از دستاوردهای شرکت‌های تولیدکننده تجهیزات مقابله و مهار بحران از دیگر برنامه‌های نخستین مانور سراسری استقرار تیم‌های واکنش سریع شرکت‌های آب و فاضلاب کشور در اصفهان خواهد بود.

اخبار

بازدید مدیرعامل شرکت برق منطقه‌ای سمنان از روند اجرای پست ۶۳ کیلوولت شهرک صنعتی شرق ۳ سمنان

گروه استانها / سمنان:
مدیرعامل شرکت برق منطقه‌ای سمنان به همراه مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی استان سمنان از روند اجرای پست ۶۳ کیلوولت شهرک صنعتی شرق ۳ بازدید کرد.
در این بازدید که معاون طرح و توسعه، مدیران و کارشناسان مرتبط شرکت برق منطقه‌ای سمنان نیز حضور داشتند، آخرین وضعیت اجرایی این پروژه مورد بررسی قرار گرفت.
دکتر قراگوزلو مدیرعامل شرکت برق منطقه‌ای سمنان در حاشیه این بازدید ضمن قدردانی از تلاش‌های مستمر نیروهای اجرایی و همکاری شرکت شهرک‌های صنعتی استان اظهار داشت: پست ۶۳ کیلوولت شهرک صنعتی شرق ۳ از پروژه‌های مهم زیرساختی استان سمنان است که اجرای آن با هدف تأمین برق پایدار و مطمئن برای صنایع مستقر در شهرک صنعتی شرق سمنان و ایجاد زیرساخت لازم برای توسعه صنعتی منطقه در دستور کار قرار گرفته است. این پروژه در صورت تأمین به‌موقع منابع مالی از سوی طرفین تفاهم‌نامه، طی چند ماه آینده به بهره‌برداری خواهد رسید.
وی افزود: با بهره‌برداری از این پست، ظرفیت تأمین برق شهرک صنعتی شرق به میزان قابل توجهی افزایش یافته و شرایط برای استقرار واحدهای تولیدی جدید و رونق اقتصادی منطقه فراهم خواهد شد.
در ادامه مهندس آخوندی، معاون طرح و توسعه شرکت برق منطقه‌ای سمنان نیز با اشاره به اهمیت این پروژه، اظهار داشت: پست ۶۳ کیلوولت شهرک صنعتی شرق ۳ به عنوان یکی از پروژه‌های شاخص در سال جاری، در اولویت قرار دارد و هماهنگی نزدیک میان کارفرما، مشاور و پیمانکاران از عوامل اصلی پیشرفت مناسب پروژه بوده است.
وی همچنین بر ضرورت تأمین به‌موقع نقدینگی و تسریع در عملیات اجرایی باقیمانده تأکید کرد و افزود: این پروژه تاکنون بیش از ۸۷ درصد پیشرفت فیزیکی داشته و مراحل طراحی و تأمین تجهیزات انجام شده است. در حال حاضر عملیات محوطه‌سازی، نصب تجهیزات، تست و راه‌اندازی در حال انجام بوده و کابل‌کشی و وایرینگ تابلوهای کنترل و حفاظت نیز در دست اجرا است.

رییس کمیسیون اقتصاد کلان اتاق بازرگانی ایران؛

امیدآفرینی؛ ضرورت روز اقتصاد

گروه استانها:
وقتی نوسان شاخص‌ها ذهن‌ها را می‌فرساید و افق پیش‌بینی تیره می‌نماید، تنها متغیری نرم با اثری سخت بنام «امید»، می‌تواند چرخ اقتصاد را دوباره به گردش درآورد، این متغیر نه از جنس شعار، که از سنخ دانش، تدبیر و ایمان ملی؛ سرمایه‌ای نامرئی که اگر در دل مردم زنده بماند، مسیر آینده را روشن می‌سازد.
در علم اقتصاد، امید فقط یک احساس نیست؛ «انتظار عقلانی از آینده» است که بر رفتار همه بازیگران اقتصادی اثر می‌گذارد. هرگاه «امید» در جامعه بالنده گردد، مشارکت فزونی می‌یابد، ریسک فرو می‌نشیند و سرمایه، راه خویش را از احتکار و سوداگری به سوی تولید و نوآوری بازمی‌گشاید. در معادلات اقتصاد رفتاری، «امید» همان نیروی پنهان ثبات است، متغیری که تورم نمی‌زاید، بلکه اعتماد می‌پرورد.
چالش امروز اقتصاد ایران تنها کمبود منابع نیست؛ ضرورت اطمینان است. آنگاه که سیاست‌ها قابل پیش‌بینی گردند و گفت‌وگو جای وعده را بگیرد، «امید» از مرتبه‌ی احساس به مرتبه‌ی محاسبه صعود می‌کند. در چنین فضایی، مردم، دولت و بخش خصوصی در یک مدار واحد از باور و عمل قرار می‌گیرند. در دهه‌ی پیش رو باید دریافت که حکمرانی اقتصادی بدون حکمرانی امید به ثمر نمی‌رسد. شفافیت، ثبات و عدالت‌ورزی، ابزارهای فنی پرورش امیدند؛ و جامعه‌ای که این سه را تجربه کند، دیگر منتظر شعار نمی‌ماند، زیرا خود، آینده را می‌سازد.
در تاریخ این سرزمین، هرگاه سرمایه‌ی مادی تحلیل رفته، سرمایه‌ی معنوی جای آن را گرفته است. همین ایمان آرام و ماندگار، بدخواهان درون و دشمنان بیرون را نه با فریاد، بلکه با خرد و همبستگی، به خاموشی واداشته است. «امید»، سکه‌ی تازه‌ی توسعه به شمار می‌آید؛ پشتوانه‌اش مردم و ارزشش با اعتماد ملی سنجیده می‌شود. در اقتصادی که سیاست، بازار و فرهنگ در گفت‌وگو بنشینند، «امید» نه احساس، که سیاست پولی نوین ثبات و باور است؛ ارزی پایدار که اعتبارش را از اعتماد به فردا می‌گیرد.
اقتصاد بی‌امید، حساب‌داری بدون آینده است. و آینده، از آن ملت‌هایی خواهد بود که از میان عددها، «باور» را بیرون می‌کشند. امروز، ایران نیازمند به پیوندی ژرف میان «عقل و ایمان»، «تدبیر و امید» است؛ آنجا که اندیشه راه می‌گشاید و امید جان می‌دمد، رشد دیگرزاده‌ی محاسبه نیست، برآیند باور است. و چون این باور در جان‌ها جای گیرد، جهان خواهد دید که ایران، نه با ثروت، بلکه با ایمان و اندیشه، دوباره می‌درخشد.

اسکناس

روزنامه اقتصادی صبح ایران

یکشنبه ۲۷ مهر ۱۴۰۴ • شماره ۲۲۱۸ • سال هفتم

۲۶ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷ • ۱۹ اکتبر ۲۰۲۵ • ۸ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: سجاد ملک
مدیر مسئول: وحید ملک
زیر نظر شورای سردبیری
تلفن: ۴۴۳۲۷۴۸۳ - ۴۴۳۲۴۶۸۵ - ۴۴۳۵۷۹۱۵ **دورنگار:** ۰۲۱۴۴۳۲۵۸۳۶
آدرس: تهران - بلوار شهران - نبش خیابان قدس - پلاک ۲ - ساختمان افرا
طبقه ۴ - واحد ۴۵ **کدپستی:** ۱۴۷۴۹۳۱۹۷۴
ایمیل: Eskenasnewspaper@gmail.com
آدرس سایت: eskenasnewspaper.com

هیئت تحریریه
سیاسی: آناهیتا جعفری
انرژی - کسب و کار: شادی حجتی
اقتصاد کلان: کیانا بلوچی
صنعت و تجارت: هدیه یوسفی
جامعه: درسا افشان
گوناگون: آرا آزاد

مشاور و مدیر بازرگانی: زهرا قره‌داغی
دفتر تبریز: میدان پیشقدم - خ عطار نیشابوری جنوبی - کوی یاسمن - پ ۱
مدیر سازمان شهرستان‌ها: اکرم داداش‌زاده **تلفن:** ۶۶۹۱۵۲۶۸
تلفن همراه: ۰۹۱۹۶۷۱۱۴۳۲ **دورنگار:** ۰۲۱۶۶۱۲۶۱۳۹
ایمیل: vahidmalek282@yahoo.com
لیتوگرافی و چاپ: شاخه سبز ۰۲۵۳۳۴۴۴۲۵۷

عکس نوشت

رونمایی از مجسمه نبرد رستم و رخش با اژدها در شاهین‌شهر اصفهان/ خبرگزاری صدا و سیما

پیشخوان

عباس نادران:

«مجنون» در مناسب‌ترین زمان ممکن اکران شد

عباس نادران با اشاره به اینکه در دو سال گذشته با کارشکنی‌هایی برای اکران «مجنون» در سینماها مواجه شده، از همه افرادی که باعث شده‌اند این فیلم در این زمان اکران شود، تشکر کرد و گفت: «مجنون» در مناسب‌ترین زمان ممکن اکران شده است.

فیلم سینمایی «مجنون» به کارگردانی مهدی شاه‌محمدی و تهیه‌کنندگی عباس نادران به تازگی در سینماهای کشور اکران شده است. «مجنون» اولین تجربه سینمایی شاه‌محمدی در مقام کارگردان است و او پیش‌تر ساخت فیلم‌های مستند متعددی را در کارنامه خود دارد. «مجنون» برای اولین بار در چهل و دومین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و توانست جایزه بهترین موسیقی متن، بهترین بازیگر مکمل مرد، بهترین بازیگر مکمل زن و بهترین فیلم را از آن خود کند.

به بهانه اکران این اثر سینمایی با عباس نادران گفتگویی داشتیم که در ادامه مشروح آن را از نظر می‌گذرانید:

■ به عنوان تهیه‌کننده جذاب‌ترین ویژگی «مجنون» که نظر شما را برای تهیه این اثر جلب کرد، چه بود؟

قبل از فیلم «مجنون» یک بار برای تولید یک فیلم سینمایی با موضوع زندگی شهید مهدی زین‌الدین اقدام کردیم اما در همان مرحله ابتدایی چون فیلمنامه نظر من را جلب نکرد و به نظرم نمی‌توانست اثر تأثیرگذاری باشد از ساخت آن منصرف شدم و پس از آن وارد مرحله نگارش و تحقیق بیشتر شدیم تا اینکه در سال ۱۴۰۱ به فیلمنامه‌ای رسیدیم که نظر من را جلب کرد و آن ویژگی‌های لازم را برای ارتباط برقرار کردن با مخاطب و به خصوص نسل زد را داشت و دوستان سازمان اوج پیشنهاد ساخت این اثر را دادند و ما برای ساخت اقدام کردیم.

■ به نسل زد اشاره کردید. «مجنون» چه ویژگی‌هایی دارد که فکر می‌کنید می‌تواند با این نسل ارتباط برقرار کند؟ به طور کل سینمای دفاع مقدس امروز می‌تواند برای نسل زد جذاب باشد؟

تجربیاتی که در سال‌های اخیر از مواجهه نسل جدید با آثار جنگی داشتیم ما را به این نتیجه می‌رساند که اگر اثر جنگی کیفیت لازم را داشته باشد این ارتباط قطعاً برقرار خواهد شد. فیلم‌هایی مثل «۱۹۱۷» یا «سه تیغ اره‌ای» مل گیبسن، فیلم‌هایی جنگی هستند که نسل جدید آن‌ها را دوست دارد و از این آثار استقبال کرده است. به نظر من اگر ما در قصه، پروداکشن و تولید استانداردهای لازم را مدنظر قرار دهیم و اثری با کیفیت تولید کنیم نسل جدید قطعاً با قهرمانی که از جنس خودش است ارتباط برقرار خواهد کرد. در همین چند روز که «مجنون» اکران شده، شاهد هستیم که بخش عمده مخاطبان جوان این فیلم نظر مثبتی نسبت به آن دارند. جوانان با آن دوره که ما درگیر جنگ هشت ساله بودیم، آشنایی چندانی ندارند و تصویر مخدوشی در ذهنشان شکل گرفته که آن دوران را ناشناخته کرده است. در صحبت‌هایی که با برخی مخاطبان فیلم داشتم، می‌گفتند که ما آدم‌های آن دوران را نمی‌شناختیم و نمی‌دانستیم که چنین افرادی بودند و اینچنین جان را خود را فدای کشور کرده‌اند. دلیل این ناشناخته ماندن به نظر من کم‌کاری ما است، ما آن دوران را روایت نکردیم یا اگر هم دست به روایت آن دوران زدیم، این کار را به خوبی انجام ندادیم و این افراد ناشناخته ماندند در حالیکه اگر ما قهرمانان خودمان را به خوبی به مخاطب معرفی کنیم، جوانان نسل زد هم با توجه به اینکه این افراد را از جنس خودشان می‌بینند با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کنند.

فناوری

اولین آیفون تاشو چه زمان عرضه خواهد شد؟

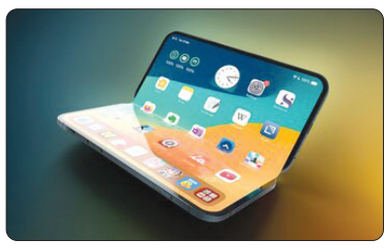

براساس گزارشی جدید، اپل ظاهراً معرفی و عرضه‌ی آیفون تاشدنی‌اش را تعویق خواهد انداخت.

به گزارش وب‌سایت The Elec، عرضه‌ی نخستین آیفون تاشدنی اپل احتمالاً تا سال ۲۰۲۷ به تعویق خواهد افتاد.

گفته می‌شود اپل هنوز در مورد برخی عناصر کلیدی طراحی مانند لولا تصمیم نهایی نگرفته و همین مسئله ممکن است دلیل اصلی تأخیر باشد. این گوشی احتمالاً نمایشگر داخلی ۷٫۵۸ اینچی و نمایشگر خارجی ۵٫۳۸ اینچی خواهد داشت.

در گزارش آمده که پیش‌بینی تولید پنل‌های نمایشگر برای آیفون تاشدنی از ۱۳ میلیون به ۹ میلیون واحد کاهش یافته است. احتمال عرضه در سال ۲۰۲۶ همچنان وجود دارد، اما در صورت تحقق، تولید دستگاه شاید در سال نخست انتشار، ۵ تا ۷ میلیون واحد کمتر از ظرفیت تولید پنل‌ها باشد. اپل ظاهراً می‌خواهد عرضه‌ی آیفون ۱۸ را به بهار ۲۰۲۷ موکول کند تا همزمان با آیفون ۱۸e معرفی شود. آیفون ۱۸ پرو، آیفون ۱۸ پرو مکس و آیفون ایر ۲ طبق برنامه در پاییز ۲۰۲۶ عرضه خواهند شد و احتمال دارد آیفون تاشدنی نیز در همان بازه به بازار بیاید، مگر آنکه پروژه بار دیگر به تأخیر بیفتد.

گفته می‌شود اپل در حال توسعه‌ی فناوری‌های جدید برای سری آیفون ۱۹ است که به‌عنوان نسخه‌ای ویژه به‌مناسبت بیستمین سالگرد آیفون معرفی شود.

معرفی کتاب

معرفی کتاب کلارا و خورشید؛

داستانی ظریف و گیرا، سرشار از اندوه و امید

کتاب کلارا و خورشید، یکی از پرفروش‌ترین‌های نیویورک تایمز محسوب می‌شود و به ماجرای رباتی می‌پردازد که تمایل دارد با انسان‌ها رابطه‌ای دوستانه داشته باشد. این رمان خواندنی نخستین اثر کازوئوایشی گورو پس از دریافت نوبل به شمار می‌آید و راوی آن رباتی است که تغییرات دنیای انسان‌ها را مشاهده می‌کند و به دنبال یافتن پاسخ سوالی اساسی ست: دوست داشتن به چه معناست؟ این رمان نخستین اثر کازوئوایشی گورو (Kazuo Ishiguro) بعد از دریافت جایزه نوبل ادبی به شمار می‌آید و شخصیت اصلی آن رباتی با هوش مصنوعی ست که از داخل یک فروشگاه، با دقت رفتار مردمی را که برای خرید وارد مغازه می‌شوند و آن‌هایی را که از خیابان می‌گذرند زیرنظر می‌گیرد و امیدوار است به‌زودی یک مشتری او را انتخاب کند. رمان کلارا و خورشید (Klaraandthesun) مانند سایر آثار ایشی گورو عمیقا شما را به فکر فرو می‌برد و پیرامون چیستی بشر و ارتباطش با هم‌نوعان و خالقش سخن می‌گوید. این اثر شرح دوستی یک ماشین و انسان با تمام ویژگی‌های عاطفی‌اش است و به شما امکان سفر در کالبد یک ربات بی‌جان را می‌دهد که ناگهان تمامی قواعد خشک و آهنین را کنار می‌گذارد و به ایجاد رابطه‌ای دوستانه با انسان‌ها علاقمند می‌شود!

فناوری

«ژن‌درمانی» معجزه‌ای برای درمان یک اختلال نادر مغزی

محققان برای اولین بار با استفاده از ژن‌درمانی، علائم بارز اختلال مرتبط با SYNGAP۱ که یک بیماری ویرانگر است که تقریبا یک میلیون نفر را در سراسر جهان تحت تاثیر قرار می‌دهد، درموش‌ها معکوس کردند. این درمان فعالیت الکتریکی غیرطبیعی مغز را کاهش داده و الگوهای موج مغزی مرتبط با بسیاری از مشکلات این اختلال را اصلاح کرده است، که نشان‌دهنده پتانسیل یک مداخله واحد برای کاهش وابستگی به داروهای متعددی است که بیماران در حال حاضر به آنها نیاز دارند.

این مطالعه، نشان می‌دهد که انتقال یک کپی کاربردی از ژن SYNGAP۱ از طریق یک ویروس اصلاح شده می‌تواند معیارهای کلیدی عملکرد مغز را در موش‌ها بازیابی کند، حتی اگر در مراحلی معادل اوایل کودکی در انسان تجویز شود. برخلاف درمان‌های مرسوم که صرفا علائم را مدیریت می‌کنند، این رویکرد علت اصلی ژنتیکی این اختلال را هدف قرار می‌دهد.

به نقل از اس‌اف، گروه تحقیقاتی موسسه علوم مغز آلن و شرکت داروسازی بایومارین گزارش دادند که این اولین نمایش موفقیت‌آمیز از مکمل ژن SYNGAP۱ برای اختلالات مرتبط با SYNGAP۱ با نجات چندوجهی فنوتیپ‌های صرعی و رفتاری است.

کودکانی که اختلالات مرتبط با SYNGAP۱ دارند، با ناتوانی ذهنی، صرع شدید، اختلالات حرکتی و مشکلات رفتاری مانند بیش‌فعالی و تکانشگری مواجه هستند. ژن SYNGAP۱ دستورالعمل‌هایی برای ساخت پروتئینی حیاتی برای عملکرد صحیح سیناپس مغز فراهم می‌کند. هنگامی که یک نسخه از این ژن از بین رفته یا مختل شود، مغز به طور غیرطبیعی رشد می‌کند. درمان فعلی شامل داروهای متعدد برای کنترل تشنج و مدیریت رفتارها است، اما این درمان‌ها مشکل اساسی را برطرف نمی‌کنند و اغلب با عوارض جانبی قابل توجهی همراه هستند.

محققان، به رهبری بوآز لوی، با یک مانع مهم روبرو بودند: ژن SYNGAP۱ برای قرار گرفتن در حامل تحویل استاندارد مورد استفاده برای ژن درمانی، بسیار بزرگ است. ویروس‌های مرتبط با آدنو (AAV) معمولا نمی‌توانند مواد ژنتیکی بزرگتر از ۴.۷ کیلوباز را بسته‌بندی کنند، اما ژن کامل SYNGAP۱ حدود ۵.۱ کیلوباز اندازه دارد.

هوا و فضا

ناسا شهری از حباب‌های شیشه‌ای روی ماه می‌سازد!

ناسا درحال سرمایه‌گذاری بر روی یک طرح عجیب است: ساخت سکونت‌گاه‌های بزرگ شیشه‌ای بر روی ماه با استفاده از غبار خود ماه.

ناسا روی یک طرح عجیب برای سکونت انسان در ماه سرمایه‌گذاری می‌کند: ساخت گنبدهای شیشه‌ای غول‌پیکر که مستقیماً از غبار خود ماه ساخته می‌شوند. این «حباب‌ها» می‌توانند به شهرهای خودکفا با اکوسیستم داخلی تبدیل شوند. براساس گزارش تلگراف، کانسپت شهری با حباب‌های شیشه‌ای توسط شرکت کالیفرنیایی Skyeports ابداع شده و بر یک اصل استوار است: اینکه باید از منابع موجود در محل استفاده کنیم. حمل‌ونقل مواد ساختمانی از زمین به ماه فوق‌العاده گران است. اما خاک ماه، که به آن «رگولیت» می‌گویند، تا ۶۰ درصد از سیلیکات تشکیل شده که ماده اولیه ساخت شیشه است. نمونه‌ای از کره کوچکی که در آزمایشگاه با استفاده از روش ذوب و دمیدن ساخته شده است. فرایند ساخت به این شکل خواهد بود: یک کوره مایکروویو هوشمند به ماه فرستاده می‌شود. این کوره رگولیت ماه را تا دمای ذوب گرم می‌کند. سپس یک لوله فلزی بزرگ توده‌ای از شیشه مذاب را برمی‌دارد و با تزریق گاز فشرده به داخل آن، شروع به دمیدن یک حباب غول‌پیکر می‌کند. این حباب در گرانش کم ماه به‌طور طبیعی شکل یک کره کامل را به خود می‌گیرد و پس از سرد شدن، به یک سازه شیشه‌ای محکم و شفاف تبدیل می‌شود.

این ساختمان‌ها فقط یک سرپناه ساده نیستند. این گنبدهای شیشه‌ای به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که یک محیط زندگی کامل و پایدار را فراهم کنند. جداره این حباب‌ها از شیشه خودترمیم‌شونده ساخته خواهد شد تا در برابر برخورد شهاب‌سنگ‌های کوچک یا «ماه‌لرزه‌ها» مقاوم باشد. همچنین پنل‌های خورشیدی مستقیماً در شیشه تعبیه خواهند شد تا انرژی کل سکونت‌گاه را تأمین کنند. در داخل، یک کره کوچک‌تر به عنوان فضای اصلی زندگی و کار قرار می‌گیرد و فضای بین دو کره با رگولیت پر می‌شود تا از ساکنان در برابر تشعشات کیهانی و تغییرات شدید دمایی محافظت کند. این فضای داخلی می‌تواند میزبان تمام امکانات رفاهی، فضاهای کاری، اجتماعی و حتی مناطق کشاورزی باشد. با ایجاد اختلاف دما بین لایه‌های مختلف شیشه می‌توان چگالش ایجاد کرد و از آن برای تولید آب و اکسیژن و پرورش گیاهان بهره برد.

گردشگری

کردکوی؛ قصه‌ای سبز میان کوه و ابر

در قلب طبیعت سرسبز استان گلستان، شهری آرام و دل‌فریب به نام کردکوی قرار دارد؛ نقطه‌ای که کوه و جنگل در فاصله‌ای کوتاه از هم گرد هم آمده‌اند تا یکی از زیباترین مقاصد گردشگری شمال ایران را بسازند. کردکوی با آب‌وهوای معتدل، چشم‌اندازهای بکر و فرهنگی ریشه‌دار، مقصدی بی‌نظیر برای طبیعت‌گردی، ماجراجویی و آرامش است. از جنگل‌های اسرارآمیز دهکده جهان‌نما گرفته تا آبشارها و روستاهای سرسبز، این شهر ترکیبی کم‌نظیر از زیبایی طبیعی و سبک زندگی اصیل را در خود جای داده است.

کردکوی نه تنها گذرگاه طبیعت‌گران است، بلکه در دل خود روایت‌های تاریخی، صنایع دستی و سبک زندگی خاص مردم منطقه را نیز پنهان کرده است. اگر به دنبال مقصدی متفاوت، با آرامش و ماجراهای طبیعی هستید، کردکوی گزینه‌ای فراموش‌نشدنی خواهد بود.

کردکوی یکی از شهرهای زیبای استان گلستان است و با جمعیت ۳۸۲۴۶ نفری یکی از مقاصد گردشگری در گلستان محسوب می‌شود. این شهر در غرب استان گلستان قرار دارد و از شمال به شهرستان ترکمن و از جنوب نیز با رشته کوه‌های البرز شرقی و استان سمنان همسایه است. کردکوی همچنین از شرق به گرگان و از غرب نیز به بندر گز محدود می‌شود. مردم کردکوی به زبان محلی مازندرانی صحبت می‌کنند. در قسمت جنوبی کردکوی کوه‌هایی وجود دارد که دهکده‌های ییلاقی آن، گردشگرهای زیادی را به خود جذب کرده است.

اگر نگاهی به تاریخ کردکوی بیاندازیم، می‌بینیم که ساکنین اولیه این شهر مازندرانی بودند. باید بدانید که نادرشاه افشار پس از شکست توپال عثمان پاشا و گرفتن بغداد، هنگامی که از اوامانات گذر می‌کرد، برخی از طایفه‌های کُرد را برای تجهیز سپاه خود و همچنین برای دفع ترکمن‌هایی که به مازندران و استرآباد حمله می‌کردند به این ناحیه کوچ داد. این طوایف که به این ناحیه کوچ کردند اکنون در محلی نزدیکی استرآباد که امروزه کردکوی نام دارد، ساکن شدند.

این سرزمین تا ۱۹ تیر ۱۳۱۹ با نام کردمحله شناخته می‌شد که امروزه نام کُردمحله به کُردکوی تبدیل شده است. امروزه این سرزمین دچار دگرگونی‌هایی شده و دیگر کسی به کردی حرف نمی‌زند. با گذشت زمان در دوره‌های گوناگون، مخصوصا در اواخر دوره قاجار، این سرزمین به دلیل اینکه آب و هوا و همچنین خاک مناسبی برای کشاورزی، مهاجران زیادی از شهرهای مختلفی مانند خراسان و مازندران پذیرفته بود. این موضوع در دگرگونی فرهنگ و زبان مردم آنجا تاثیر زیادی داشت.

اینفوگرافی

سینمای ایران در گیشه

دو فیلم سینمایی «ناجورها» و «قسطنطنیه» از زمان اکران روی پرده سینما تا صبح امروز، عنوان پرفروش‌ترین فیلم‌ها را برای خود ثبت کرده‌اند. آمار فیلم‌های گیشه از ۸ هفته گذشته یعنی (۲۵ مرداد) تا کنون درنظر گرفته شده است. طبق آئین‌نامه اکران فیلم‌های سینمایی، میزان فروش فیلم‌ها در بازه زمانی هشت هفته از شروع اکران بررسی می‌شود و با اضافه شدن چند فیلم به سر گروه‌ها، فیلم‌هایی که مدت زمان اکران آن‌ها تمام شده از لیست سر گروهی حذف شده و جای خود را به فیلم‌های جدید می‌دهند.